

تحلیل راهبردی عوامل داخلی اثرگذار بر آمایش سرزمینی در کشور افغانستان مبتنی بر استدلال‌های ژئوپلیتیکی کیومرث یزدان پناه درو^۱

استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

عتیق اله قمری

دانش آموخته جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

حسین حاتمی نژاد

دانشیار جغرافیای برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۸/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۱۲

چکیده

ترقی و تکامل جوامع بشری یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های انسانی در طی تاریخ بوده و هست و هم‌چنان رسیدن به توسعه یکی از اهداف اساسی مردم در جوامع است. امروزه توسعه در ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به خصوص توسعه به روش مدرن یکی از فراگیرترین موضوعات در جوامع بشری به خصوص کشورهای در حال توسعه است. کشور افغانستان از جمله کشورهایی است که تحت تأثیر سیاست و امنیت داخلی و خارجی از حرکت در مسیر توسعه بازمانده است. بنابراین برنامه‌ریزی جهت توسعه سرزمینی این کشور نیز در گرو حل و چاره‌اندیشی مسائل سیاسی-امنیتی است. برنامه‌ریزی راهبردی با چهارچوب و ملاحظات سیاسی و امنیتی می‌تواند سبب کاهش تهدیدات امنیتی و چالش‌های سیاسی و در نتیجه توسعه سرزمینی گردد. بنابراین در این مقاله سعی شده است تا عوامل داخلی اثرگذار بر آمایش سرزمینی در کشور افغانستان از منظر ژئوپلیتیکی مورد تحلیل قرار گیرد. در این راستا این سوال قابل طرح است که: از منظر ژئوپلیتیکی چه عوامل داخلی (قوت‌ها و ضعف‌ها) و چگونه بر آمایش سرزمینی در کشور افغانستان اثر می‌گذارند؟ این مقاله به شیوه‌ای توصیفی-تحلیلی نگاشته شده است و داده‌های مورد نیاز نیز به شیوه کتابخانه‌ای، اسنادی و بهره‌گیری از پایگاه‌ها و سایت‌های معتبر اینترنتی گردآوری شده است.

واژگان کلیدی: آمایش سرزمین، ژئوپلیتیک، قوت‌ها و ضعف‌ها، افغانستان.

مقدمه

افغانستان کشوری است در شرایط ژئوپولیتیکی چهارراهی که در مرکز قاره آسیا واقع شده و با سه منطقه آسیای مرکزی، جنوب آسیا و خاورمیانه همپوشانی جغرافیایی دارد. این همپوشانی هم به لحاظ جغرافیای طبیعی، هم جغرافیای فرهنگی و قومی و هم به لحاظ ادامه سرزمینی این کشور در مناطق مذکور می‌باشد. وضعیت جغرافیایی و موقعیت این کشور سبب بروز مشکلاتی در مسیر تاریخی آن شده که تاکنون مانع از ثبات و امنیت و در نتیجه توسعه در آن شده است. مسئله توسعه نیافتگی و ناامنی افغانستان به یک سندروم ژئوپولیتیکی بدل شده است که تمام علائم توسعه نیافتگی و ناامنی وجود دارد اما در وضعیت مقابله با این مسئله و حرکت در جهت ثبات و توسعه این کشور مسائل پیچیده‌ای وجود دارد که حل هر کدام از آن‌ها مشروط به سایر عوامل شده است. بخشی از مسائل و چالش‌های افغانستان بیرونی است و در گروه تغییر ساختار و رویکردهای منطقه‌ای و حتی جهانی است. اما بخش زیادی از چالش‌های این کشور ریشه‌های داخلی دارد. عوامل داخلی و خارجی در بحران سیاسی - امنیتی افغانستان به یکدیگر مرتبط هستند. عوامل داخلی نیز به شکلی زنجیره‌وار وابسته و مشروط به یکدیگر هستند. در طول سال‌های اخیر بویژه پس از حمله آمریکا به افغانستان و سقوط قدرت طالبان، کمک‌های خارجی زیادی روانه افغانستان شد. اما این کمک‌های مالی، نظامی، امنیتی و غیره نتوانست توسعه و امنیت را به افغانستان بیاورد، به نحوی که با کوچکترین غفلت نیروهای ارتش افغانستان و کشورهای حاضر در افغانستان برخی شهرها مجدداً سقوط کرده و به دست طالبان می‌افتد (Kunduz, 2015, 2017).

برای حل تدریجی چالش‌های افغانستان نیاز به برنامه‌های آمایشی بلندمدت با محوریت ژئوپولیتیک جهت شناخت و برنامه‌ریزی سیاسی-امنیتی است. بنابراین شناخت چالش‌های سیاسی و امنیتی و یافتن راهکارهای تلفیقی از ژئوپولیتیک و آمایش سرزمین می‌تواند راهگشا باشد. از این‌رو در مقاله حاضر به دلیل گستردگی عوامل موثر بر امنیت و توسعه در افغانستان ما به عوامل داخلی بسنده کرده‌ایم. در این پژوهش سعی داریم تا به این سوال اساسی پاسخ دهیم: از منظر ژئوپولیتیکی چه عوامل داخلی (قوت‌ها و ضعف‌ها) و چگونه بر آمایش سرزمینی در کشور افغانستان اثر می‌گذارند؟ این مقاله به شیوه‌ای توصیفی-تحلیلی نگاشته شده است و داده‌های مورد نیاز نیز به شیوه کتابخانه‌ای، اسنادی و بهره‌گیری از پایگاه‌ها و سایت‌های معتبر اینترنتی گردآوری شده است.

مبانی نظری

آمایش سرزمین عبارت است از توزیع متوازن و هماهنگ جغرافیایی تمامی فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و معنوی در پهنه سرزمین نسبت به قابلیت‌ها و منابع طبیعی و انسانی (Sarvar, 2005: 18). بنابراین، منظور از آمایش سرزمین استفاده درست از قابلیت‌های سرزمین و سایر امکانات به اندازه توان آن است. منظور از آمایش تعیین توان بالقوه و شایستگی اراضی است یا به عبارت دیگر، آمایش فرایندی است که زیندگی هر نوع استفاده‌ای را برای هر بخشی از سرزمین با توجه به قابلیت‌های آن نشان می‌دهد (Hataminejad & Others, 2010: 49). در مجموع می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که آمایش سرزمین نوعی حرکت در جهت توسعه پایدار جوامع بشری براساس توجه به توان‌های محیطی و برنامه‌ریزی براساس ظرفیت سرزمین است. جغرافیا نیز به شناخت انسان و فضای جغرافیایی آن و تعامل

بین آنها می‌پردازد. هدف از مطالعات جغرافیایی، دستیافتن به شناخت پایه‌ای از محیط است که بستر و میدان عمل تمام فعالیت‌های انسانی به شمار می‌آید. انجام این مطالعات پایه‌ای از آن نظر اهمیت دارد که پدیده‌های موجود در سطح زمین، از نظر شکل و پراکندگی یکسان نیستند و منشأپیدایش آنها از قانونمندی‌های یکسانی تبعیت نمی‌کند (Rahnamaei, 1993: 18). بر همین اساس می‌توان «جغرافیا» را تبیین نوع استقرار و توزیع جمعیت و فعالیت در عرصه سرزمین دانست و «آمایش» را تنظیم رابطه بین این عناصر به حساب آورد. در جغرافیا و آمایش سرزمین، سه عنصر اساسی وجود دارند که زمینه‌های اصلی مطالعه‌اند و عبارت‌اند از: انسان، فضا و فعالیت. به تعبیری می‌توان گفت که «جغرافیا»، آمایشی‌ترین علوم و «آمایش سرزمین» جغرافیایی‌ترین نوع برنامه‌ریزی است. آنچه «جغرافیا» به‌عنوان یک علم به توضیح آن می‌پردازد، «آمایش» به‌عنوان مجموعه‌ای از فنون و هنرها می‌کوشد آن را عملی سازد. «جغرافیا» توضیح می‌دهد و «آمایش» تغییر. «جغرافیا» تبیین می‌کند و «آمایش» طراحی (Sarvar, 2005: 32). هدف از تنظیم رابطه بین انسان و فضا در مطالعات آمایشی و فعالیت‌های انسان در فضا، تحقق توسعه پایدار یا به عبارت دیگر سرزمین‌آرایی است و در واقع اساس کار جغرافیای کاربردی، تحقق این هدف است (Sarvar, 2005: 36).

اگر جغرافیای سیاسی و ژئوپولیتیک را در دوره کنونی مترادف یک‌دیگر به حساب بیاوریم، باید گفت جغرافیای سیاسی یا ژئوپولیتیک در وجهی علم مدیریت سیاسی فضای سرزمینی است. برنامه‌ریزی فضایی و آمایش سرزمین به لحاظ راهبردی بودن و تعیین کارویژه‌های منطبق بر توان‌های سرزمینی مترادف راهبردهای ژئوپولیتیکی یا همان جغرافیای سیاسی است که البته در بُعد عملیاتی به شکل دیگری پیاده‌سازی شده است. یک برنامه‌ریز واقع‌نگر در سطح منطقه‌ای و ملی باید بداند که آمایش سرزمین تنها توجه به قوت‌های و مشخصات اکولوژیک نیست، بلکه می‌بایستی این توان‌های اکولوژیک با هدف ایجاد توسعه و امنیت پایدار و براساس جغرافیای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی هر منطقه و با محاسبه تهدیدهای درون و برون سرزمینی مورد توجه قرار گیرد و آن‌گاه به طبقه‌بندی و الویت‌بندی راهبردها بپردازد. همچنین باید توجه کرد که بسیاری از بحران‌های ژئوپولیتیکی داخلی که گاه ادامه خارجی می‌یابد ناشی از عدم توجه به توان‌های اکولوژیکی مناطق و در نتیجه تخریب محیط زیست و منابع آب و خاک و در نتیجه بروز مناقشات ژئوپولیتیکی بر روی منابع در سطوح مختلف می‌شود. این مسائل به صورت مستقیم سبب تضعیف جایگاه و وزن ژئوپولیتیکی کشور می‌شود و امنیت و منافع ملی کشور را به مخاطره می‌اندازد (Rashidi, 2014: 67).

منطقه مورد مطالعه: کشور افغانستان

افغانستان (سرزمین افغانها) یک کشور کوهستانی و محاط به خشک‌سای است که در آسیای مرکزی موقعیت دارد این کشور که تاریخ پنج هزار ساله دارد، نخست به نام آریانا و بعداً به نام خراسان یادگردیده، اما در سال ۱۱۲۶ خورشیدی در زمان حاکمیت احمد شاه بابا، افغانستان جای تمام آریانا و خراسان را گرفت. بعضی از مؤرخین تعیین دقیق سرحدات امپراطوری افغان را کار دشوار دانسته، اما گفته‌اند که زمانی الی ۱۶ درجه طول البلد وسعت داشت. آنها می‌گویند که سرحدات این امپراطوری در شرق به سرهند که در ۱۵۰ کیلومتری دهلی موقعیت دارد، در غرب الی مشهد که از دریای خزر با همین فاصله موقعیت دارد و عرض این امپراطوری از دریای آمو گرفته و در

جنوب الی خلیج فارس امتداد می‌یافت. وسعت امپراتوری احمد شاه بابا وقتاً فوقتاً بنابر اختلافات میان نواده‌های وی و بعداً میان برادران محمدزی رو به زوال گردید. شمال و جنوب غرب افغانستان مناطق خشک و هموار زیادی دارد و در جنوب آن نزدیک به مرز پاکستان دشتهای ریگزار موقعیت دارد. افغانستان در شرق و جنوب ۲۴۳۰ کیلومتر با پاکستان، در غرب با ایران ۹۳۶ کیلومتر، در شمال غرب با ترکمنستان ۷۴۴ کیلومتر، در شمال با ازبکستان ۱۳۷ کیلومتر، در شمال شرق با تاجکستان ۱۲۰۶ کیلومتر و با چین ۷۶ کیلومتر مرز مشترک دارد. افغانستان با داشتن ۶۵۲۸۶۴ کیلومتر مربع مساحت بعد از کشورهای چین، ایران و پاکستان چهارمین کشور بزرگ در منطقه می‌باشد. این کشور از نظر واحدها به ۳۴ ولایت و ۳۹۸ ولسوالی تقسیم گردیده است (www.elections.pajhwok.com/dr/content). نفوس مجموعی افغانستان حدود ۲۶ میلیون تن تخمین گردیده است که از جمله هر هفت تن یک تن آنها در کابل زندگی میکنند. شهر کندهار در درجه دوم قرار دارد که بیش از نیم میلیون نفوس دارد، بعد از آن شهر هرات در غرب، مزار شریف در شمال و شهر جلال آباد در شرق کشور شهرهای بزرگ می‌باشند. حدود ۲،۵ میلیون مهاجر ثبت شده افغان تا حال در پاکستان و ایران زندگی میکنند. از جمله لسانهای پشتو، دری، ازبکی، ترکمنی، بلوچی، پشه‌یی، نورستانی و لسانهای مروج دیگر در کشور پشتو و دری لسانهای رسمی دولت می‌باشد. تناسب جنسیت طوری است که در مقابل هر ۱۰۰ زن ۱۰۳،۲ مرد موجود اند و تعداد اوسط فامیلهای ۶،۳ تن می‌باشد. بیش از ۹۹ درصد نفوس افغانستان را مسلمانان تشکیل می‌دهد که ۸۰ درصد آنها سنی، ۱۹ درصد شیعه و یک درصد پیروان مذاهب دیگر مانند هندو، سکها و تعداد کم عیسوی‌ها می‌باشند.

موقعیت جغرافیایی ویژه افغانستان در تعریف ژئوپلیتیک منطقه نقش مهمی دارد و با تعبیرهایی مانند "چهارراه آسیا" و یا "هارتلند آسیا" از آن نام برده شده است. مکیندر اعتقاد داشت، در هر قاره نقطه‌هایی وجود دارد که کشورها سعی در کنترل آن دارند و تسلط بر آن را به مثابه تسلط بر قلب و مرکز همان قاره می‌پندارند (Hekmatina, 2004:100). افغانستان کشور محصور در خشکی است که مناطق شمال، جنوب، شرق و غرب آن با رشته‌های کوه‌های هندوکش جدا شده‌اند. منظور از ژئوپلیتیک منطقه برای افغانستان همان پیوستگی سه منطقه خاورمیانه، آسیای مرکزی و جنوب آسیا در چهارراه ارتباطی افغانستان است. برای تحلیل ژئوپلیتیک افغانستان ضروری است تا تاثیر ساختارهای امنیتی آن مناطق در دوره‌های گذار و نظم ژئوپلیتیک بر افغانستان بررسی شود. بدون درک روابط قدرت در این مناطق نمی‌توان سیاست داخلی و خارجی افغانستان را به درست‌ترین درک کرد. پس از استقلال افغانستان ژئوپلیتیک منطقه ابتدا در تاثیر سه قدرت بزرگ بریتانیا، روسیه و آلمان و در حال گذار بود. در دوران جنگ سرد ژئوپلیتیک دوقطبی بر منطقه مسلط بود و پس از آن دوران تاثیرگذاری قدرت هاب منطقه‌ای آغاز شد. (Ataei & Jafari, 2019:161).

وضعیت شبه مستقل افغانستان در منطقه در مطالعات موجود در قرن بیستم با مفهوم دولت حائل پیوند خورده است. از زمان ثبت واژه دولت حائل در فرهنگ لغت انگلیسی آکسفورد در سال ۱۸۸۳، پیرامون وضعیت حائل افغانستان در ساختار امنیتی منطقه اتفاق نظر وجود داشته است. تا قبل از استقلال، افغانستان در وضعیت حائل میان امپراتوری روسیه و بریتانیا در هند قرار داشته است و موقعیت دولت شبه مستقل مدنظر کوهن را ایفا کرده است (McLachlan, 1997:89). در حالی که در قرن نوزدهم افغانستان محل نزاع و رقابت بریتانیا و روسیه بود، در قرن

بیستم نیز، پس از استقلال افغانستان در سال ۱۹۱۹ تا پایان جنگ جهانی دوم این رقابت تداوم یافت و در کنار این دو قدرت بزرگ آلمان ضلع دیگر قدرت جهانی بود که بر وضعیت حائل افغانستان تاثیرگذار بوده است که در مبحث سیاست خارجی افغانستان در این دوره بررسی می‌شود.

در ساختار امنیتی دوران جنگ سرد افغانستان در کانون رقابت دو ابر قدرت آمریکا و اتحاد شوروی قرار داشت. از یک سو، با مرگ ژوزف استالین در سال ۱۹۵۳ اولویتی که او برای اتحاد شوروی قائل بود نیز تغییر کرد. راهبرد اتحاد شوروی در دوران جنگ سرد پس از استالین حمایت از حکومت کمونیستی افغانستان در سال ۱۹۷۹ در همین زمینه ارزیابی می‌شود (Cohen, 2003:6). این تهاجم موقعیت شبه مستقل افغانستان را به شکل آشکاری دگرگون کرد. در واکنش به این وضعیت آمریکا حمایت از مجاهدان افغان را در برابر روسیه آغاز کرد با فروپاشی اتحاد شوروی افغانستان به وضعیت شبه مستقل پیشین بازگشت.

کشور افغانستان دارای معادن متعدد کانی‌های فلزی و غیر فلزی است. از سنگ آهن، مس و زغال سنگ مرغوب تا اورانیوم و طلا با کیفیت جهانی و منابع نفت و گاز قابل توجه. علاوه بر این ها افغانستان مانند موزه ای از سنگ‌های بسیار قیمتی مانند لعل، یاقوت کبود و قرمز، زمرد و غیره است که در صورت مدیریت درست می‌تواند میلیاردها دلار ارز را وارد کشور فقیر افغانستان نماید. طبق گزارشات سال‌های اخیر میزان ذخایر تازه کشف شده لیتیم، آهن، مس، کوبالت و طلا در جنوب افغانستان به اندازه‌ی است که می‌تواند افغانستان را به یکی از کشورهای مهم و ثروتمند جهان تبدیل کند. در این گزارش‌ها که توسط روزنامه نیویورک تایمز منتشر شده، ذکر شده است که لیتیم افغانستان برابر با نفت عربستان است و معدن حاجی گگ به مقدار دو میلیارد تُن ذخیره آهن دارد. این گزارش‌ها می‌افزاید که اورانیوم افغانستان در جهان بی‌نظیر و ذخایر مس افغانستان با بزرگترین ذخیره مس شیلی برابر است. این روزنامه امریکایی در ادامه گزارش خود به ارزش گاز افغانستان پرداخته که یک تریلیون دلار قیمت دارد. در پایان این گزارش نوشته شده است که حتی زمرد افغانستان از زمرد کلمبیا و الماس افغانستان از الماس آفریقا هم با کیفیت‌تر است.

در اقتصاد افغانستان بخش کشاورزی نقش مهمی در رشد اقتصادی، ایجاد شغل، کاهش فقر، امنیت غذایی دارد. کشاورزی به استثنای (کشت خشخاش) تقریباً یک چهارم تولید ناخالص داخلی را تشکیل می‌دهد. بیش از ۸۰ درصد از جمعیت کشور و نزدیک به ۹۰ درصد از افراد فقیر در مناطق روستایی زندگی می‌کنند و کشاورزی نقش مهمی در معیشت این افراد دارد. به عنوان مثال در سال ۲۰۱۰-۲۰۱۱ کشاورزی برای ۴۹ درصد از همه خانوارشغل ایجاد درآمد کرده است که از این میان ۳۰ درصد از افراد کشاورزی به عنوان منبع اصلی درآمدشان بوده است. همچنین ۴۰ درصد از شاغلین کشور در بخش کشاورزی مشغول فعالیت می‌باشند (چه به صورت مستقیم و چه به صورت غیر مستقیم که معادل ۳,۲ تا ۳,۴ میلیون نفر می‌باشد). طبق گزارش USID و آمار وزارت زراعت ۸۰ درصد مردم افغانستان مشغول پیشه زراعت و دامداری (مالداری) اند؛ که ۳۱٪ درآمد ملی از محصولات زراعتی بدست می‌آید. طبق آمار سال ۲۰۰۹ افغانستان حدود ۸,۵۵ میلیارد دلار واردات و ۲,۱۲۸ میلیارد دلار صادرات به کشورهای ایالات متحده آمریکا، تاجیکستان، پاکستان، هندوستان و غیره داشته که پس از سنگ‌های قیمتی

دومین درآمد کشور را اقلام زراعتی تشکیل می‌دهد؛ که اقلام عمده آن میوه‌جات خشک، پشمقالین، گیاهان پزشکی، پوست حیوانات، و کوکنار (تریاک) بوده‌است (CIA Factbook, 2009). زمین‌های افغانستان از دیدگاه زراعت به ۶ گونه تقسیم شده‌است. - زمین‌های مزروعی - زمین‌های تحت غرس نهال‌ها- که هر دو قسمت ۷۰۸ میلیون هکتار ۱۱،۹۶ درصد ساحه خاک را دربردارد- علفزارها ۳۱ میلیون هکتار که حدود ۴۹ درصد جنگل‌های ۱،۰۹ میلیون هکتار ۳ درصد- زمین‌های تحت آب- و زمین‌های غیر مزروعی می‌باشد.

کشور افغانستان کشوری با آب و هوای خشک و نیمه خشک است و متوسط بارش آن حدود ۲۵۰ میلی‌متر در سال است. مناطق جنوبی و جنوب شرقی و همچنین بخشی از شرق و غرب آن در خشکی قابل توجهی به لحاظ بارش و منابع آب به سر می‌برد. اما مناطق شمالی افغانستان که سرچشمه و آبخیز رودهای مهم افغانستان هستند به دلیل ارتفاعات زیاد کوهستانی و بارش‌های زیاد که بخش زیادی از آن در قالب برف است، از وضعیت آبی نسبتاً مناسبی برخوردار است. بیش از ۸۰ درصد منابع آبی افغانستان را کوه‌های هندوکش تشکیل می‌دهد. عمده‌ترین کوه که دارای قله‌های مملو از برف و یخچال‌ها است کوه هندوکش و شاخ‌های کوچک او می‌باشد. این کوه تقریباً بیش از ۷۵ درصد خاک افغانستان را در برمی‌گیرد. مجموعاً کوه‌های هندوکش دارای طول ۹۹۶ کیلومتر است. تا حدود ۶۰۰ کیلومتر را به نام هندوکش و باقی را به نام‌های دیگر می‌نامند. شاخ‌های هندوکش عبارتند از کوه بابا با مسافت ۲۰۰ کیلومتر، سیاه‌کوه ۶۲۸ کیلومتر، کوه پغمان، کوه سلیمان، سفیدکوه‌ها سپین‌غر، فیروزکوه ۳۵۲ کیلومتر، تیربند ترکستان، پاراپامیزادوغیره می‌باشد. قسمت‌های مرکزی کوه‌های هندوکش و کوه بابا که ولایت‌های پروان، میدانامیان، دایکندی، چخچران، پل خمری، چارکنت، شولگره و سرپلرا در برمی‌گیرد، منبع بزرگ آبی کشور به حساب می‌آید (www.worldatlas.com).



Map1. Physical map of Afghanistan, www.commonswikimedia.org

عوامل داخلی اثرگذار بر آمایش سرزمینی در کشور افغانستان

ظرفیت‌ها و قوت‌های سرزمینی افغانستان

منابع معدنی و انرژی در افغانستان

کشور افغانستان دارای معادن متعدد کانی‌های فلزی و غیر فلزی است. از سنگ آهن، مس و زغال سنگ مرغوب تا اورانیوم و طلای باکیفیت جهانی و منابع نفت و گاز قابل توجه. علاوه بر این ها افغانستان مانند موزه ای از سنگ‌های بسیار قیمتی مانند لعل، یاقوت کبود و قرمز، زمرد و غیره است که در صورت مدیریت درست می‌تواند میلیاردها دلار ارز را وارد کشور فقیر افغانستان نماید. طبق گزارشات سال‌های اخیر میزان ذخایر تازه کشف شده لیتیم، آهن، مس، کوبالت و طلا در جنوب افغانستان به اندازه‌ی است که می‌تواند افغانستان را به یکی از کشورهای مهم و ثروتمند جهان تبدیل کند. در این گزارش‌ها که توسط روزنامه نیویورک تایمز منتشر شده، ذکر شده است که لیتیم افغانستان برابر با نفت عربستان است و معدن حاجی گگ به مقدار دو میلیارد تن ذخیره آهن دارد. این گزارش‌ها می‌افزاید که اورانیوم افغانستان در جهان بی‌نظیر و ذخایر مس افغانستان با بزرگترین ذخیره مس شیلی برابر است. این روزنامه امریکایی در ادامه گزارش خود به ارزش گاز افغانستان پرداخته که یک تریلیون دلار قیمت دارد. در پایان این گزارش نوشته شده است که حتی زمرد افغانستان از زمرد کلمبیا و الماس افغانستان از الماس آفریقا هم با کیفیت‌تر است.

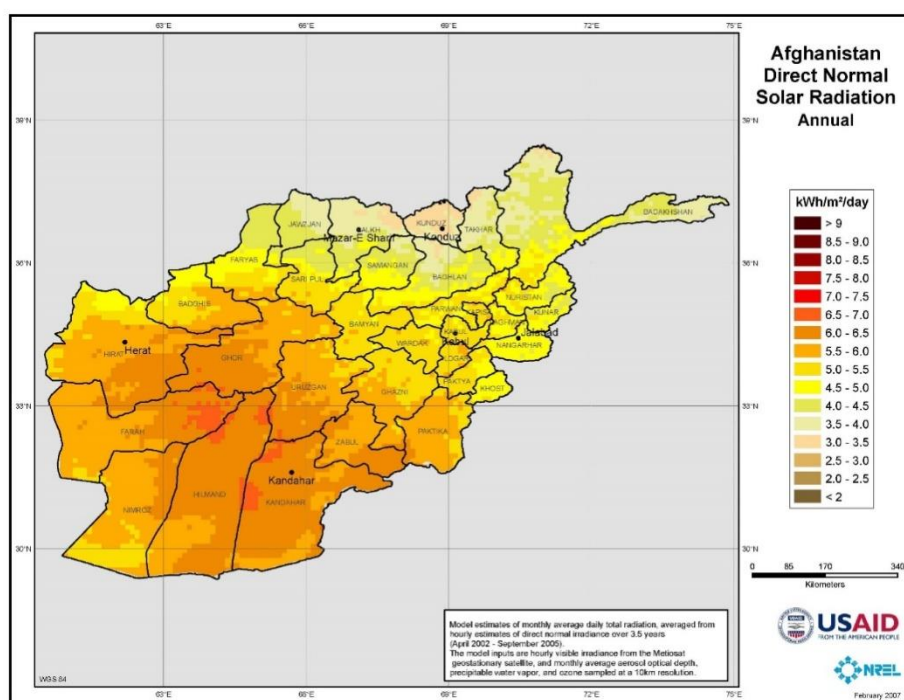
طبق اظهارات اخبار ایندیندنت و سازمان زمین‌شناسی ایالات متحده آمریکا ارزش نفت و گاز افغانستان ۲۲۲،۸۹۲،۳۵۰،۰۰۰ دلار و ارزش معادن افغانستان ۹۰۸،۹۴۸،۰۰۰،۰۰۰ دلار ارزش مجموعی آن ۱۱۳۱،۸۴۰،۳۵۰،۰۰۰ دلار یا ۱۱۳۱،۸۴۰ تریلیون دلار می‌باشد (Sengupta, 2010/06/15 & Stephen G & Others, 2011). افغانستان از لحاظ معادن غنی و دارای معادن متعدد است. تحقیقات زمین‌شناسی به اثبات رسانیده‌است که در افغانستان ۱۴۰۰ نوع معدن و سنگ معدنی شناسایی گردیده‌است. (ministry of mines, Afghanistan Geological survey, 2013) در این اواخر گروهی از ناسا آمریکا با وسایل اشعه لیزر توانستند معادن عمق کوه‌ها و زمین‌های افغانستان را کشف، عکسبرداری و تثبیت تقریبی نمایند. تا فعلاً ۲۸۶ معدن فلزات، ۵ میدان گازی در شمال، تیل مایع و سایر معدنیات کشف شده‌است. معادن آهن در افغانستان از اهمیت بسزایی برخوردارند، یکی از مشهورترین معادن آهن در این کشور معدن آهن حاجیگکاست که دارای ۱۰۸ میلیارد تن آهن می‌باشد. معادن طلادر چهار منطقه زرکشان غزنی، بدخشان، خاک ریز قندهار و تخار وجود دارد. معادن کرومیتدر حصارک لوگرو و در ولسوالی زنه خوان غزنی و غیره مناطق وجود دارد. معادن زغال سنگدر یازده محل از جمله ۵ معدن آن قابل استخراج می‌باشد، معدن لاجوردبدخشاندارای ۱۳۰۰ تن لاجورد در سرسنگ بدخشان، معدن مس عینکلوگردارای ذخایر آهن ۱۱،۳ میلیون تن، ذخایر نفت و گاز شمال ۱۰۸ میلیارد مترمکعب و ذخایر نفت و گاز در هرات هلمند کنواز، معادن سرب و رویدر هشت محل و هم دارای معادن مرمر «سفید و رنگه» می‌باشد. علاوه براین در این کشور معدن اورانیوم خانشیندر ولایت هلمند، تیتانیوم، لیتیمدر نمکسار هرات، کمر و تخار، معادن آهن در ۱۰۰ محل، مس در دوازد محل، آلومینیم ولایت زابل، معدن نقره، منیزیم، قلع می‌باشد. افغانستان دارای منرالهای کم قیمت و گران قیمت است. منرالهای قیمتی

از قبیل کورندوم امیتس توپاز، یاقوتدر دو ناحیه، اکومارین لعدر شغنانبدخشان، عقیق سیاه و رنگه، گرانت، زمردپنجشیر فیروزه، بیرایت، تورمالین (شاه مقصود) می‌باشد. هکذا معادن نمک این کشور در اندخوی فرایاب، دولت‌آباد تالقان و نمکسار هرات، می‌باشد. علاوه بر این دارای معادن فلورایت، گچ، چونه می‌باشد. معدن باروت، گوگرد در کوه البرز مزارشریف، مواد خام سمنت در کوه جبل السراج، غوربند، تالک (تباشیر) در ننگرهار، ابرک، گانزیت، برلیوم نیوبیوم سزیوم روبیدیوم، سنگ سلیت، معدن بیروچ ولایت نورستان، معدن بیرات در غوربند و پروان، معدن سیمابدر ولایت غور، فلورامیت ارزگان، سنگ رخام در هلمند، معادن مولیدین در زابل، بغلان و لوگر، معدن بریلدر ولایت کنر، معدن تتال در نورستان، معدن بارایت سنگلان هرات، معدن شاه مقصود در ماهییر کابل، و غیره معادن را دارا بوده و تعداد آن تا هنوز کشف نشده است. البته ضخامت پوست زمین در نواحی پامیر الی ۷۵ کیلومتر در نواحی هموار ۵۰ کیلومتر ضخامت رسوبات از چند صد متر الی ۲۰ کیلومتر می‌باشد که مواد معدنی در میان اینها به شکل مواد کانی و رسوبی وجود دارد. تا اکنون تقریباً از این معادن بهره‌برداری نشده است.

در حدود ۳۰۰ رسوبات مستند مس در افغانستان وجود دارد ولی تا فعلاً در ۱۲ معادن مس تحقیقات صورت گرفته است. معادن مس در ولایت‌های لوگر، هرات، فراه، کاپیسا، قندهار، زابل و معادن جنوب افغانستان عبارتند از معادن مس عینک جوهر و در بند می‌باشد. تخمیناً افغانستان دارای ۶۸۵۰۰ میلیون تن مس دارند (British Geological Survey, no date). ذخایر مجموعی معادن آهن افغانستان بیشتر از بیلون تن می‌باشد. معادن آهن افغانستان بطور عموم دارای معیار بلند یعنی ۴۷-۶۲٪ می‌باشد که در جمله معادن کم مصرف پرکیفیت و کم‌نظیر شمرده می‌شود. معادن آهن در افغانستان در بدخشان، پنجشیر، غوربند، بامیان، حاجیکگ، بهسود، لال سرچنگل یکاولنگ و غور و هم در قندهار، میمنه، هرات، ارزگان، پکتیا از اهمیت زیاد برخوردار می‌باشد. در ۱۰۰ کیلومتری شمال قندهار منطقه خاکریز معدن بزرگ آهنی با ظرفیت ۳ میلیون تن واقع شده است. همچنین معدن آهنی در ۹ کیلومتری شهر جبل السراج قرار دارد. بزرگترین معادن آهن آسیای مرکزی معادن آهن حاجیکگ در ولایت بامیان و در ۱۳۰ کیلومتری شمال غرب کابل قرار دارد. افغانستان دارای ۳٫۸ میلیارد بشکه نفت بین ولایت بلخ و ولایت جوزجان در شمال کشور است (Censin Resources, 2010). این یک مقدار برای یک ملت که تنها ۵۰،۰۰۰ بشکه در روز مصرف می‌کند، بسیار قابل توجه است. زمین شناسی ایالات متحده و وزارت معادن و صنایع افغانستان به طور مشترک منابع نفت و گاز طبیعی را در شمال افغانستان ارزیابی کردند. حجم متوسط تخمین زده شده نفت ۱،۵۹۶ میلیون بشکه نفت خام، ۴۴۴ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی و ۵۶۲ مگابیت در صد مایعات گاز طبیعی است. بسیاری از نفت خام کشف نشده در حوزه افغان-تاجیک و بسیاری از گاز طبیعی کشف نشده در حوزه آمودریا واقع شده است. این دو حوزه در افغانستان شامل حدود ۵۱۵،۰۰۰ کیلومتر مربع است (Kuo, 2006: 2). در دسامبر ۲۰۱۱، افغانستان قرارداد استخراج نفت با شرکت ملی نفت چین (CNPC) را برای توسعه سه میدان نفتی در حوزه آمو دریا امضا کرد (Reuters Staff, 2011).

در رابطه با انرژی‌های تجدیدپذیر و بویژه انرژی خورشیدی در کشور افغانستان ظرفیت عظیم افغانستان در تولید انرژی خورشیدی به دلیل شرایط اقلیمی و روزهای آفتابی زیاد در طول سال با زاویه تابش مناسب است. بالاترین پتانسیل تولید انرژی خورشیدی در ولایت‌های فراه، هلمند، قندهار و غور است. البته بیش از چهار پنجم کشور

افغانستان مستعد تأمین انرژی برق خود از خورشید است. در این میان شمال ولایت‌های جوزجان، بلخ، بغلان، بدخشان، تخار، قندوز و تا حدودی سمنگان، فاریاب و سرپل نسبت به سایر مناطق افغانستان از ظرفیت کمتری برای انرژی خورشیدی برخوردار است که ناشی از شرایط آب و هوایی هندوکش و کوهستان‌های آن است (Map.2). از اواسط دهه اول قرن بیست و یکم اقداماتی در راستای بهره‌گیری از انرژی‌های تجدیدپذیر با حمایت کشورهای آلمان، آمریکا و هندوستان در کشور افغانستان صورت گرفته است. دولت آلمان با محوریت وزارت همکاری اقتصادی و توسعه آلمان (BMZ)^۱ در راستای تولید برق از انرژی تجدیدپذیر (بویژه خورشیدی) فعالیت‌هایی را از سال ۲۰۰۷ میلادی در ولایت‌های بدخشان، تخار، کندز، بغلان و بلخ شروع کرده که قرار است تا آپریل ۲۰۲۰ این پروژه تکمیل گردد (Deutsche Zusammenarbeit mit Afghanistan, 2007-2020). همچنین در پاییز ۱۳۹۶ بزرگترین پروژه انرژی خورشیدی در افغانستان با حمایت ۱۹ میلیون دلاری کمپانی هندی «دایناسی» و اداره توسعه بین‌المللی آمریکا در ولسوالی دامان ولایت قندهار رسماً آغاز شد. این نیروگاه در ابتدا قادر با تولید ۱۰ مگاوات برق خورشیدی است (Barghnews, 2017).



Map.2. Afghanistan Direct Normal Solar Radiation Annual

Source: <https://www.nrel.gov>

ظرفیت کشاورزی مدرن در برخی مناطق افغانستان

در اقتصاد افغانستان بخش کشاورزی نقش مهمی در رشد اقتصادی، ایجاد شغل، کاهش فقر، امنیت غذایی دارد. کشاورزی به استثنای (کشت خشخاش) تقریباً یک چهارم تولید ناخالص داخلی را تشکیل می‌دهد. بیش از ۸۰ درصد از جمعیت کشور و نزدیک به ۹۰ درصد از افراد فقیر در مناطق روستایی زندگی می‌کنند و کشاورزی نقش مهمی در معیشت این افراد دارد. به عنوان مثال در سال ۲۰۱۰-۲۰۱۱ کشاورزی برای ۴۹ درصد از همه خانوار شغل

^۱. Bundesministerium für wirtschaftliche Zusammenarbeit und Entwicklung

ایجاد درآمد کرده است که از این میان ۳۰ درصد از افراد کشاورزی به عنوان منبع اصلی درآمدشان بوده است. همچنین ۴۰ درصد از شاغلین کشور در بخش کشاورزی مشغول فعالیت می‌باشند (چه به صورت مستقیم و چه به صورت غیر مستقیم که معادل ۳,۲ تا ۳,۴ میلیون نفر می‌باشد). طبق گزارش USID و آمار وزارت زراعت ۸۰ درصد مردم افغانستان مشغول پیشه زراعت و دامداری (مالداری) اند؛ که ۳۱٪ درآمد ملی از محصولات زراعتی بدست می‌آید. طبق آمار سال ۲۰۰۹ افغانستان حدود ۸۰۵۵ بلیون دلار واردات و ۲۰۱۲۸ بلیون دلار صادرات به کشورهای ایالات متحده آمریکا، تاجیکستان، پاکستان، هندوستان و غیره داشته که پس از سنگ‌های قیمتی دومین درآمد کشور را اقلام زراعتی تشکیل می‌دهد؛ که اقلام عمده آن میوه‌جات خشک، پشم قالین، گیاهان پزشکی، پوست حیوانات، و کوکنار (تریاک) بوده است (CIA Factbook, 2009). زمین‌های افغانستان از دیدگاه زراعت به ۶ گونه تقسیم شده است. - زمین‌های مزروعی - زمین‌های تحت غرس نهال‌ها - که هر دو قسمت ۷,۸ میلیون هکتار ۱۱,۹۶ درصد ساحه خاک را دربردارد - علفزارها ۳۱ میلیون هکتار که حدود ۴۹ درصد جنگل‌های ۱,۹ میلیون هکتار ۳ درصد - زمین‌های تحت آب - و زمین‌های غیر مزروعی می‌باشد.

از آنجایی که صنعت در افغانستان در مراحل نخستین دوران رشد خود می‌باشد و شغل‌هایی که در بخش معدن ایجاد می‌شود معمولاً نیازمند کارگران ماهر و نیمه ماهر می‌باشد لذا همین امر باعث شده است که کشاورزی هنوز به عنوان یکی از بخش‌های اصلی رشد اقتصادی و بکارگیری نیروی کار در آینده باشد. بخش کشاورزی هنوز به عنوان یکی از مهمترین و تاثیر گذارترین بخش‌ها در رشد اقتصادی می‌باشد به طوری که بیش از نصف ۸,۳ درصد رشد اقتصادی که در سال ۲۰۱۲ نسبت به سال ۲۰۱۱ وجود داشته مربوط به بخش کشاورزی بوده است. بیش از ۹۰ درصد صنعت افغانستان و بیشتر صادرات افغانستان بستگی به تولیدات کشاورزی دارد. آمار رسمی نشان می‌دهد که صادرات بیشتر خشکبار، میوه و سایر مشتقات مربوط به کشاورزی بوده است که تقریباً ۵,۵ درصد از تولید ناخالص داخلی را سال ۲۰۱۲-۲۰۱۳ را تشکیل داده است. توسعه مدرن کشاورزی در افغانستان یکی از راه‌های توسعه افغانستان و ایجاد شغل در این کشور است. کشاورزی از طریق راه‌های ذیل می‌تواند به بحث اشتغال کمک کند:

۱. گسترش زمین‌های آبیاری برای تولید غلات که تقریباً می‌تواند بین ۸۰ تا ۹۰ هزار شغل ایجاد کند.
 ۲. آبیاری زمین‌های قابل کشت برای تولید محصولات می‌تواند ۳۳ تا ۶۰ درصد شغل بیشتر در هر هکتار نسبت به حالتی که دیمی باشد ایجاد کند.
 ۳. کاشت محصولات باغی به جای گندم می‌تواند سه برابر یا حتی چهار برابر در استخدام افراد در هر هکتار بیشتر باشد.
 ۴. حمایت دسترسی به اعتبار، بازارها، ترویج محصولات باغی با ارزش و تولیدات فرآورده‌های دامی و ایجاد فرصت برای مشارکت زنان.
- به صورت کلی کشور افغانستان دارای خاک و منابع آب مناسب در برخی از نقاط (نه تمام کشور) است. با توجه به استقرار این کشور در کمربند خشکی جهان و بروز خشکسالی‌های اخیر، در صورت اصلاح شیوه آبیاری و نوع

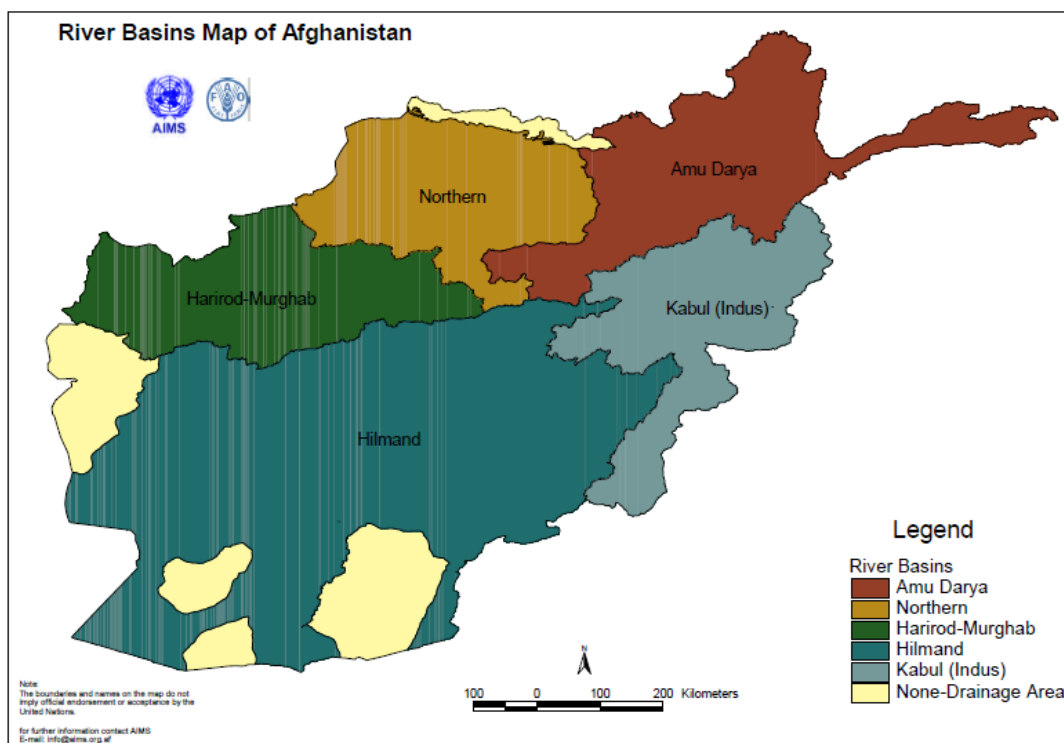
کشت و بذر و مدیریت جدید بر کشاورزی می‌تواند به توسعه در حوزه نیازهای کشاورزی و ایجاد اشتغال دست یابد. تا امروز کشاورزی بزرگترین بخش اشتغال و معیشت مردم افغانستان را تشکیل می‌دهد.

منابع آبی نیمه شمالی افغانستان

کشور افغانستان کشوری با آب و هوای خشک و نیمه خشک است و متوسط بارش آن حدود ۲۵۰ میلی‌متر در سال است. مناطق جنوبی و جنوب شرقی و همچنین بخشی از شرق و غرب آن در خشکی قابل توجهی به لحاظ بارش و منابع آب به سر می‌برد. اما مناطق شمالی افغانستان که سرچشمه و آبخیز رودهای مهم افغانستان هستند به دلیل ارتفاعات زیاد کوهستانی و بارش‌های زیاد که بخش زیادی از آن در قالب برف است، از وضعیت آبی نسبتاً مناسبی برخوردار است. بیش از ۸۰ درصد منابع آبی افغانستان را کوه‌های هندوکش تشکیل می‌دهد. عمده‌ترین کوه که دارای قله‌های مملو از برف و یخچال‌ها است کوه هندوکش و شاخ‌های کوچک او می‌باشد. این کوه تقریباً بیش از ۷۵ درصد خاک افغانستان را در برمی‌گیرد. مجموعاً کوه‌های هندوکش دارای طول ۹۹۶ کیلومتر است. تا حدود ۶۰۰ کیلومتر را به نام هندوکش و باقی را به نام‌های دیگر می‌نامند. شاخ‌های هندوکش عبارتند از کوه بابا با مسافت ۲۰۰ کیلومتر، سیاه‌کوه ۶۲۸ کیلومتر، کوه پغمان، کوه سلیمان، سفیدکوه یا سپین‌غر، فیروزکوه ۳۵۲ کیلومتر، تیربند ترکستان، پاراپامیزاد و غیره می‌باشد. قسمت‌های مرکزی کوه‌های هندوکش و کوه بابا که ولایت‌های پروان، میدان بامیان، دایکندی، چخچران، پل خمری، چارکنت، شولگره و سرپل را در برمی‌گیرد، منبع بزرگ آبی کشور به حساب می‌آید (www.worldatlas.com).

پرآب‌ترین رودخانه‌ای که از کوه‌های شمال شرق افغانستان سرچشمه می‌گیرد رودخانه آمو دریا یا جیحون است. این دریا از کوه‌های پامیر افغانستان و تاجیکستان شروع می‌گردد. کوه‌های پامیر دارای بارندگی ۱۰۰۰ میلی‌متر در یک سال است. به همین دلیل این رود بزرگ را به جریان انداخته است. این رودخانه در یک ثانیه ۲۰۰۰ متر مکعب و در یک سال ۲۲ میلیارد آبرآ انتقال می‌دهد. در کنار این دریا دشت‌های بدون کشاورزی و کم ارتفاع به اندازه یک میلیون هکتار (ده میلیون جریب) قرار دارد؛ که ظرفیت کشاورزی مناسب را دارد. دومین رودخانه بزرگ افغانستان به لحاظ حجم آبی، رودخانه کابل با ۲۱ میلیارد مترمکعب است. این رودخانه دارای طول ۷۰۰ کیلومتر بوده که ۴۶۰ کیلومتر آن در داخل خاک افغانستان جریان دارد. این رودخانه اهمیت استراتژیکی و اقتصادی دارد. جلال آباد و لغماندارای آفتاب فراوان و اقلیم گرم است که برای کشت نباتات، مرکبات، جوار، زیتون، شالیزار و سبزیجات خیلی مساعد است. زمین‌های این دو ولایت ۳ بار حاصل می‌دهد در صورت تغییر دادن مسیر رودخانه ساختن کانال‌ها این زمین‌ها قسمت زیادی از مشکلات غذایی را رفع خواهد نمود. سومین رودخانه پراهمیت رود هلمند است که از سنگلاخ یا ۸۰ کیلومتری غرب کابل سرچشمه گرفته و از شمال به جنوب غرب کوهستان هزاره جات را پشت سر گذاشته در گرشک وارد ریگستان‌های دشت مارگو می‌شود. بعداً به طرف سیستان جریان دارد، به تالاب بین‌المللی هامون در منطقه سیستان ایران می‌ریزد. طول این رودخانه ۸۳۵ کیلومتر است. گرچه طول این رودخانه تا کول سیستان به ۱۱۵۰ کیلومتر می‌رسد و به واسطه گرمای زیاد و ریگستانی بودن مسیر، بیشتر در راه گم می‌شود. با آن همه آب این رودخانه هیچ وقت خشک نمی‌شود و جریان آن در سرچشمه خیلی تند و در انتها که به سیستان می‌رسد خیلی

کنداست. در مسیر این رود سد کجکیبا ظرفیت ۶۷۰ میلیون متر مکعب احداث گردیده‌است. در سال ۲۰۱۱ کار بند کمال خان نیز در مسیر این دریا آغاز گردیده‌است. این رودخانه نیز از منطقه شمالی افغانستان و رشته کوه هندوکش سرچشمه می‌گیرد و در مسیر خود بخش زیادی از زمین‌های کشاورزی را آبیاری می‌کند (www.worldatlas.com). رودخانه‌های هریرود، فراه‌رود، مرغاب و غیره نیز دارای اهمیت زیادی در افغانستان بوده که اکثراً از هندوکش سرچشمه می‌گیرند. به صورت کلی وجود منابع آبی قابل توجه در شمال افغانستان بویژه رودخانه آمودریا و کابل که به ترتیب دارای ظرفیتی معادل ۲۲ و ۲۱ میلیارد مترمکعب هستند، می‌تواند زمینه مناسبی برای توسعه کشاورزی و صنایع مدرن را فراهم نماید. از این‌رو توسعه کشاورزی در شکل مدرن و با سیستم آبیاری صرفه‌جویانه در نیمه شمالی کشور منطقی به نظر می‌رسد که سبب کاهش چالش‌های آبی در آینده کشور می‌شود. در این بخش باید توجه کرد رودخانه‌های آمو و کابل با توجه به خروج بخش زیادی از آب‌شان از افغانستان، حجم بسیار بزرگتر نسبت به رودخانه‌هایی مانند هلمند (۹/۳۰ میلیارد متر مکعب)، دریای غربی (۳/۰۶) و رود شمال (۱/۸۸) و بهره‌گیری بسیار کم از آن‌ها در کشاورزی و صنایع، ظرفیت بهره‌برداری بسیار بیشتری دارند.



Map.3: River Basins of Afghanistan
Source: AIMS:https://www.aims.edu

ظرفیت‌های گردشگری

افغانستان به عنوان یک کشور باستانی و تاریخی که تمدن‌های قبل و بعد از اسلام را در آغوشش دارد و نیز به عنوان یک کشور کوهستانی و اتصال دهنده سرزمین‌های جنوب، غرب و مرکز آسیا، مورد توجه سیاحان از زمانه‌های گذشته بوده است. از این‌رو به خصوص بعد از جنگ جهانی دوم که توریسم به عنوان یک صنعت مورد پذیرش مردمان جهان قرار گرفت، افغانستان نیز به این روند پیوسته و بعد از دهه ۱۹۵۰ میلادی به عنوان یکی از مراکز توریستی جهان مورد توجه قرار گرفته و مردمان با فرهنگ غنی از گردشگران به گرمی استقبال می‌نمودند. در سال‌های (۱۳۵۰

هـ ش) مطابق (۱۹۷۱ میلادی) گردشگری منبع مهم درآمدی و تبادل گردشگران خارجی را تشکیل می‌داد؛ سالانه در حدود (۹۰۰۰۰) الی (۱۲۰۰۰۰) توریست از افغانستان بازدید می‌کردند. فرهنگ غنی، تاریخ کهن، خاطرات تجارت از راه ابریشم، مناظر زیبا و دیدنی طبیعی و اقلیم معتدل افغانستان ارزش‌های خاص توریستی را که برای گردشگران جالب و دیدنی است فراهم نمود تا گردشگران بیشتری را پذیرا باشد (Ministry of information and culture Directorate of tourism regulatory affairs, 2018). اما با بروز رخدادهای ژئوپولیتیکی مانند دخالت شوروی، جنگ با این قدرت جهانی و سپس ظهور طالبان و سایر گروه‌های افراطی تروریستی، امنیت افغانستان به صورت کامل به مخاطره افتاد و ظرفیت گردشگری این کشور نیز در این سال‌ها از دست رفت.

کشور افغانستان دارای دو ظرفیت کلان در بخش گردشگری است. یکی توریسم فرهنگی، تاریخی و انسانی و دیگری اکوتوریسم یا گردشگری طبیعی. افغانستان در منطقه باستانی جهان واقع شده و این امر سبب شده این سرزمین در دوره تمدن قبل از تاریخ و دوران تاریخی در درون دولت‌ها و امپراطوری‌های بزرگ باستانی مانند مادها، هخامنشیان، سلوکیان، مائوریانها، دولت‌های یونانی باختر و هند، اشکانیان، هندوسکایی، پارتیان هند (پهلوانها)، کوشانیان، ساسانیان، هپتال‌ها، کابل‌شاهان قرار گیرد (Mahdizadeh Kaboli, 2003). در دوران اعراب و پس از اسلام نیز در حکومت طاهریان، صفاریان، تا افشاریان قرار گرفته است. پس از نادرشاه نیز با تشکیل کشور افغانستان توسط احمدشاه ابدالی که از سرداران نادرشاه افشار بود، حکومت‌های مختلفی در این کشور بودند (Kohzad, 2002). در تمام این مدت از دوران پیشاتاریخ تا دوران معاصر شهرها، بناها، مقبره‌ها، ساختمان‌ها، راه‌ها و غیره در افغانستان ایجاد شد که افغانستان را به موزه‌ای از تاریخ غنی بشری مبدل نموده است. این امر سبب جاذبه بسیار بزرگ افغانستان برای گردشگران شده است. حضور دانشمندان، شاعران و ادیبان بزرگ و آثار و مقبره‌های آنها نیز یکی از ظرفیت‌های گردشگری انسانی و فرهنگی افغانستان است.

افغانستان به دلیل قرارگرفتن در مسیر جاده ابریشم پیوندگاه تمدن‌های بزرگ جهان بوده و یکی از مهم‌ترین مراکز بازرگانی عصر باستان به‌شمار می‌رفته است. این موقعیت مهم و حساس ژئواستراتژیکی و ژئوپولیتیکی افغانستان در شکل‌دادن موزائیکی غنی از فرهنگ‌ها و تمدن‌های بزرگ همچون ایرانی، یونانی، بین‌النهرینی و هندی در این کشور نقش مهمی داشته است. از عصر پارینه سنگی و طی دوره‌های تاریخی، مردم افغانستان، یا همان ایرانیان شرقی باستان، جایگاه عمده‌ای در معرفی و گسترش ادیان جهانی و نقش مهمی در بازرگانی و دادوستد داشته و گهگاه کانون مسلط سیاسی و فرهنگی در آسیا بوده‌اند. از این رو افغانستان در طول تاریخ گلوگاه یورش مهاجمان و جهان‌گشایان بوده که ردپای آن‌ها هنوز در گوشه و کنار این سرزمین دیده می‌شود (Hiebert & Cambon, 2008: 56). همان‌طور که از میان‌رودان (بین‌النهرین؛ عراق امروزی) به‌سبب تمدن‌های کهن و باستانی‌اش به‌عنوان «گهواره تمدن»، و از مصر باستان به سبب اهرام باستانی‌اش به‌عنوان «عجایب دنیای باستان» خوانده می‌شود، از افغانستان نیز به‌سبب موقعیت مهم و حساس ژئواستراتژیکی و ژئوپولیتیکی‌اش و حضور موزائیکی غنی از فرهنگ‌ها و تمدن‌های بزرگ در تاریخ هزاران ساله این سرزمین به‌عنوان «چهارراه فرهنگ‌های باستان» یاد می‌شود (British Museum, 2018). این ویژگی چهارراهی افغانستان و ویژگی‌های منحصر به فردش که بازتاب موقعیت چهارراهی و

تأثیرپذیری‌اش از فرهنگ‌های متعدد است، این سرزمین را به یک مقصد مناسب برای گردشگران تبدیل نموده است. علاوه بر ظرفیت‌های تاریخی در افغانستان باید به تعدد اقوام و مذاهب و جاذبه‌های ناشی از این تکتک نیز توجه نمود که در هر گوشه‌ای از این کشور، گردشگران را با سوژه‌های فرهنگی خاصی مواجه می‌سازد.

افغانستان از نظر جغرافیای طبیعی سرزمین تضادهای طبیعی است. کوه‌های سر به فلک کشیده، دره‌های ژرف، باران‌های بهاری و تابستان‌های خشک، زمستان‌های بسیار سرد و تابستان‌های گرم، بلندی‌های پوشیده از برف در طول سال و سرزمین‌های پست و خشک و سوزان. این امر سبب ظهور منظره‌های بسیار زیبا و جذاب از کوه‌های بسیار مرتفع مانند کوه‌های هندوکش (۶۲۹۸)، پامیر کوچک (۶۲۸۱)، بدخشان (۵۳۵۵)، بابا (۵۴۱۳) و غیره، دره‌های بسیار عمیق و متعدد مانند پنجشیر و بدخشان و منطقه بامیان، غارها، رودخانه‌های بزرگ مانند آمودریا، کابل، هلمند، هریرود و غیره، دریاچه‌هایی مثل بند امیر (بامیان)، آب ایستاده مقر، بند کجکی و غیره، مناطق بیابانی و ریگزارها و تپه‌های ماسه‌ای در ولایات جنوبی مانند قندهار، هلمند، فراه، نیمروز و غیره شده است (Azimi, 2012: 100). این ویژگی‌های جغرافیای طبیعی افغانستان سبب ظهور چشم‌اندازها و مناظر اکوتوریستی و ژئوتوریستی مناسبی جهت جذب گردشگر به این کشور شده است.

ضعف‌های سرزمینی افغانستان

عدم تناسب اقلیم، منابع آب و خاک در کشور افغانستان

افغانستان در موقعیت مرکز آسیا قرار داشته دارای اقلیم خشک می‌باشد. زمستان اکثر مناطق این کشور سرد و تابستانی خیلی گرم دارد. سطح بارندگی به‌طور میانگین ۲۵۰ میلی‌متر است. ارتفاع برف در زمستان در بعضی بخش‌های مرکزی کوه‌های هندوکش و پامیر تا یک متر نیز می‌رسد. بارندگی افغانستان از وزش بادهای جبهه سرد سیبری و جبهه گرم آن از آب‌های گرم اقیانوس هند است. ولایت کنر و نورستان از وزش باران‌های موسمی هند بهره‌مند می‌گردد. این ولایت‌ها دارای بارندگی ۴۰۰-۴۵۰ ملی میتر می‌باشند، که اکثر پهنه این ولایت‌ها مملو از جنگل نشتر سرب و جلغوزه است. در کل دانشمندان اقلیم افغانستان را از نظر جغرافیایی به شش بخش: گرم و خشک بیابانی، استپی، کوهستانی، مدیترانه‌ای، موسمی و تندرا آلی تقسیم می‌کنند.

اقلیم افغانستان دارای دو ویژگی مهم است: یکی خشکی و نیمه خشکی عمومی در اکثر نقاط این کشور و دوم تفاوت و اختلاف دما، تعریق و بارش در نقاط مختلف این کشور. به عنوان مثال در نواحی خشک بیابانی جنوب غربی قندهار، جنوب ولایت هلمند و فراهو تمامی ولایت نیمروز، میزان بارش در سال بین ۷۰ تا ۸۰ میلیمتر و در بعضی نقاط و در برخی سال‌ها این میزان کمتر نیز هست. در مقابل شاهد بارش بالا در ولایات پکتیا و پکتیکا و نواحی اطراف آن در حدود ۴۶۰ تا ۶۸۰ می‌باشیم. البته این میزان بارش در برخی نقاط تا ۱۰۰۰ میلی‌متر هم می‌رسد. برخی نقاط هیچگاه شاهد بارش برف نیستند و در برخی نقاط کوهستانی حدود ۹ ماه از سال راهبندان وجود دارد. همچنین میزان رطوبت هوا در برخی مناطق استپی به ۲۰ درجه هم نمی‌رسد و در مقابل مناطق موسمی و کوهستانی رطوبت نسبی بالایی دارند. بیشتر بارش‌های باران در ارتفاعات شمالی افغانستان و در ماه‌های اسفند و فروردین است و در مناطق پست جنوبی افغانستان بارش باران کم و زمان دقیق آن نامشخص است (McSweeney &

(Others, 2016). اقلیم افغانستان علاوه بر ایجاد محدودیت در توسعه کشاورزی در این کشور، سبب عدم تعادل جمعیت در مناطق شمالی و غربی نسبت به مناطق جنوبی و تقریباً غربی این کشور شده است. این عدم تعادل جمعیتی ریشه در آب و هوای غیر قابل تحمل، کشاورزی محدود و نارسایی در سایر فعالیت‌های انسان است.

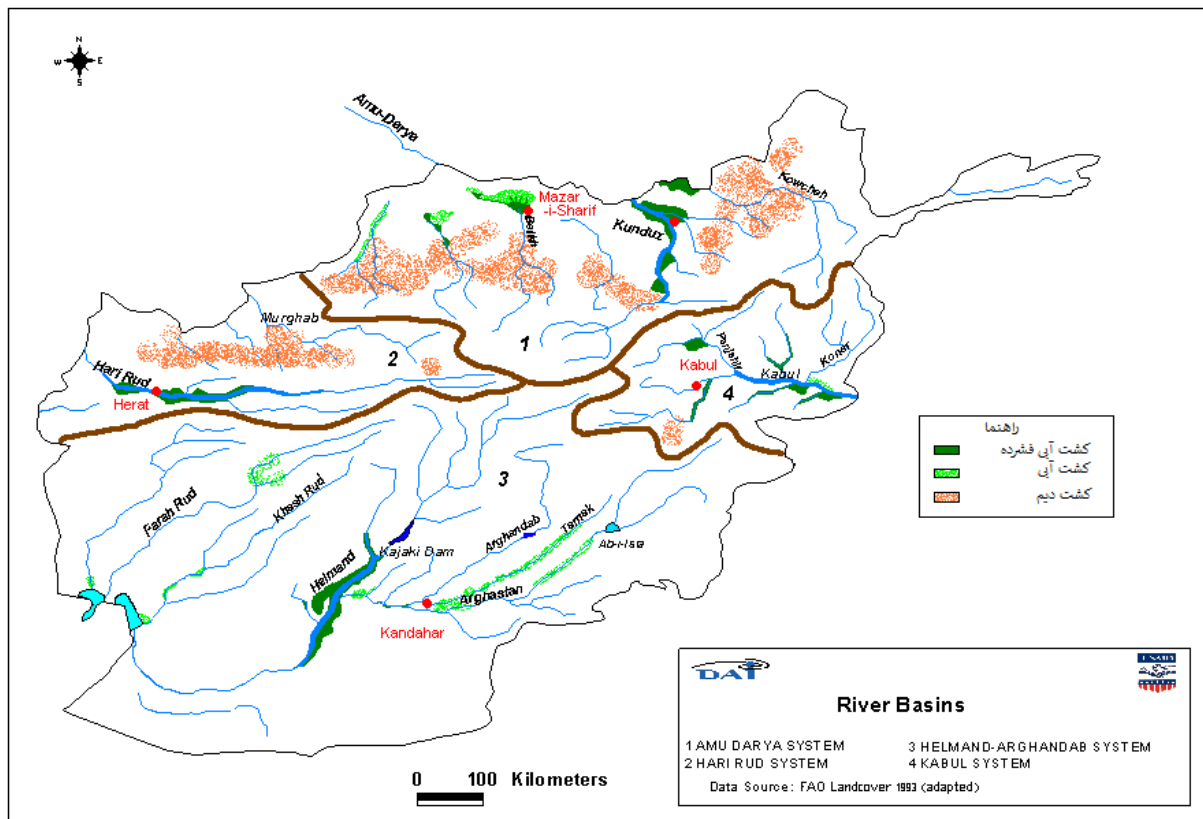
به تبعیت از اقلیم خشک و نیمه خشک افغانستان، منابع آب سطحی و زیرزمینی نیز به صورت عمومی از میزان مناسبی نسبت به متوسط جهانی برخوردار نیستند. بیشتر منابع آب سطحی در قالب رودخانه‌ها، دریاچه‌ها و چشمه‌ها در نیمه شمالی کشور افغانستان است و هرچه به سمت نیمه جنوبی و بویژه جنوب غرب این کشور حرکت کنیم با منابع بسیار محدود آب‌های سطحی و زیرزمینی مواجه‌ایم. همان‌طور که قبلاً گفته شد رودخانه‌های بزرگ این کشور یعنی آمودریا، کابل، هلمند (هیرمند)، هریرود و غیره تماماً از ارتفاعات شمالی یعنی هندوکش و پامیر سرچشمه می‌گیرند که برخی از آن‌ها مانند هیرمند و هریرود به مناطق خشک تر غرب و جنوب غرب سرازیر شده و مناطق کشاورزی، دامداری و سکونت‌گاه‌های این مناطق را سیراب نموده است؛ هرچند در دهه‌های اخیر به دلیل افزایش بهره‌وری از آب و افزایش جمعیت و خشکسالی، این مناطق با مشکلات و تهدیداتی مواجه شده‌اند.

خاک افغانستان نیز در مناطق مختلف دارای ویژگی‌های متفاوتی است. در مناطق کوهستانی خاک افغانستان سنگلاخی و دارای عمق کمتری جهت کشت و زرع است و در مناطق دشتی نیمه جنوبی از عمق بیشتری برخوردار بوده و از نوع رس است. اما مشکلی که در این میان وجود دارد خاک مناسب در مناطق کم آب است که در جریان بیابان زایی در حال تبدیل شدن به بیابان و شورزار است و در مناطق پرآب نیز خاک دارای کیفیت کمتری بوده و از نظر وسعت محدود است.

کشاورزی افغانستان نیز تابعی از اقلیم، آب و خاک افغانستان است. مساحت افغانستان بیش ۶۵ میلیون هکتار است. از جمله ۸۰ درصد مساحت این کشور را کوه‌ها پوشانده است. دارای ۸ میلیون هکتار زمین‌های زراعتی بوده که ۱۲٪ مساحت مجموع را تشکیل می‌دهد و نیمی از این زمین‌ها تحت کشت قرار دارد.

زمین‌های افغانستان از دیدگاه زراعت به ۶ گونه تقسیم شده است. زمین‌های مزروعی و زمین‌های تحت غرس نهال‌ها که هر دو قسمت ۷،۸ میلیون هکتار ۱۱،۹۶ درصد مساحت‌خاکرا دربردارد. علفزارها ۳۱ میلیون هکتار که حدود ۴۹ درصد جنگل‌های ۱،۹ میلیون هکتار ۳ درصد زمین‌های تحت آب و زمین‌های غیر مزروعی می‌باشد. اراضی افغانستان طوریست که هر منطقه آب و هوای مخصوصی دارد. مثلاً ولسوالی سرربی که در ۳۰ کیلومتری کابل قرار دارد در زمستان بارش برف ندارد. ولایت قندهار، خوست، جلال‌آباد و لغمانگرمسیر بوده و در زمستان بارش برف ندارد. طبق گزارش سازمان جهانی غذا (فاو) مساحت خاک کشور افغانستان ۶۵۲،۲۲۵ کیلومترمربع یا ۶۵،۲۲ میلیون هکتار است. یک ششم مساحت خاک را دشت تشکیل داده است که به مساحت ۱۰۸۷،۰۴ کیلومترمربع ۱۰،۸۷۰ میلیون هکتار می‌شود (FAO, 2003). بیش از ۸۰ درصد منبع آبی افغانستان را کوه‌های هندوکش تأمین می‌کند. در مجموع ۷،۸ میلیون هکتار مساحت قابل کشت می‌باشد. از جمله ۳،۳ میلیون هکتار (۱۸۱،۵ میلیون جریب) آبی ۴،۵ میلیون هکتار (۲۲،۵ میلیون جریب) دیم وجود دارد. از جمله ۴ میلیون هکتار تحت کشت است. در سال ۲۰۱۰ حدود ۳/۱ میلیون هکتار تحت کشت علوفه‌جات و از جمله ۲ میلیون هکتار تحت کشت گندم قرار داشت. از لحاظ کشاورزی

زمین‌های افغانستان به ۳ دسته تقسیم می‌شوند: آبی (پرآب)، آبی (کم‌آب) و دیم. زمین‌های سیرآب حدود ۱۰۸ میلیون هکتار را دربردارد.



Map.4: Distribution of Agricultural Types in Afghanistan

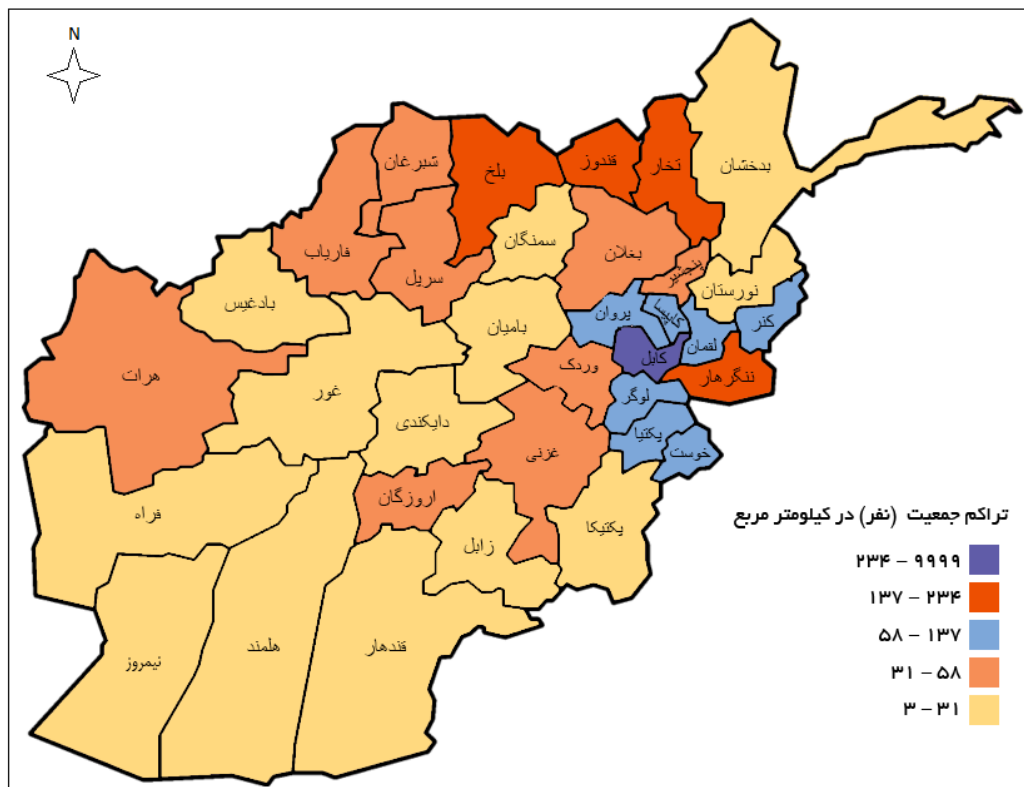
Source: Afghanistan Waters Portal, 2003

در نقشه بالا مشخص شده که چگونه نوع اقلیم و منابع آب و ویژگی‌های فیزیکی و شیمیایی خاک سبب محدودیت کشاورزی در میزان و نوع آن در کشور افغانستان شده است. در مناطق جنوبی افغانستان تنها در محدوده رودخانه هلمند شاهد گسترش قابل توجه کشاورزی هستیم که آن هم ناشی از جریان رودخانه مذکور به سمت جنوب و سپس جنوب غرب کشور است.

استقرار نامتعادل فعالیت و جمعیت در فضای سرزمینی

چگونگی توزیع فضایی فعالیت و جمعیت، یکی از مباحث مهم مدیریت کارآمد سرزمین است. کشور افغانستان بواسطه ژئومورفولوژی کوهستانی و ارتفاعات، دره‌ها دشت‌ها و غیره نوع خاصی از شکل استقرار فعالیت و جمعیت را ایجاد نموده است. قرارگیری کوه‌های هندوکش در مرکز افغانستان و ادامه دامنه‌ها و یال‌های آن به سمت غرب و جنوب سبب شده تا در بخش مرکزی فعالیت معیشتی و جمعیت کمتری قرار گیرد. در مقابل، پهنه نوار شمالی و منطقه شرقی افغانستان دارای تمرکز بالای فعالیت و جمعیت هستند. محدوده هرات، حوضه آبریز هیرمند و شهر قندهار نیز دارای جمعیت قالب توجهی هستند. ساختار طبیعی (ژئومورفولوژیک-اقلیمی) افغانستان از یکسو و عوامل سیاسی و شکل معیشت از سوی دیگر سبب شکل‌گیری فعالیت‌های اقتصادی در مناطق خاصی از افغانستان شده که جمعیت را نیز به دنبال خود در این مناطق متمرکز نموده است. شهر کابل تا جلال آباد و مرز افغانستان با پاکستان،

مناطق (مزارشریف، خان‌آباد، فیض‌آباد و میمند در شمال)، به دلیل آب و هوای مناسب و ظرفیت‌های کشاورزی و منابع آب دارای جمعیت قابل توجهی در حوزه خود هستند. البته کابل با کارکرد سیاسی جمعیت بیشتری را به خود جذب کرده است. قندهار و هرات با پیشینه تاریخی- سیاسی در کنار ظرفیت‌های سرزمینی از جمعیت بالایی برخوردارند. به صورت کلی ولایت کابل با مرکزیت شهر کابل بالاترین تعداد جمعیت (۴،۶۷۹،۶۴۸) و بیشترین میزان تراکم جمعیت در کیلومتر مربع (بین ۲۳۴ تا ۹۹۹۹ نفر در کیلومتر مربع) است. بعد از کابل ولایات ننگرهار، بلخ، قندوز و تخار دارای تراکم بالایی (۱۳۷ تا ۲۳۴ نفر در کیلومتر مربع) هستند. ولایات پروان، کاپیسا، لغمان، کنر، لوگر، پکتیا و خوست در رتبه‌های بعدی تراکم جمعیت در کیلومتر مربع هستند. ولایت‌های پنجشیر، بغلان، وردک، غزنی، اروزگان، سرپل، شبرغان، فرایاب و هرات نیز دارای تراکم جمعیتی متوسطی هستند. اما همان‌طور که گفته شد ولایت‌های مرکزی مانند: سمنگان، بامیان، بادغیس، غوز و دایکندی که در ارتفاعات هندوکش قرار دارند و ولایت‌های جنوبی از جمله: زابل، قندهار، علمند، نیمروز، فراه و پکتیکا که در منطقه نیمه خشک و خشک واقع شده‌اند، از تمرکز بالای جمعیتی برخوردار نیستند. البته این ولایت‌های کم جمعیت مانند قندهار و هلمند دارای نقاط جمعیتی هستند که به دلیل کارکرد سیاسی یا وجود مناطق کشاورزی در حوضه آبریز هلمند، از نقاط جمعیتی مناسبی برخوردار هستند. اما هرچه از این نقاط فاصله می‌گیریم به پایین‌ترین سطح تمرکز فعالیت و جمعیت در افغانستان می‌رسیم.



Map.5: Population density in different provinces of Afghanistan

Source: Afghanistan Statistics Center, 2016: 05

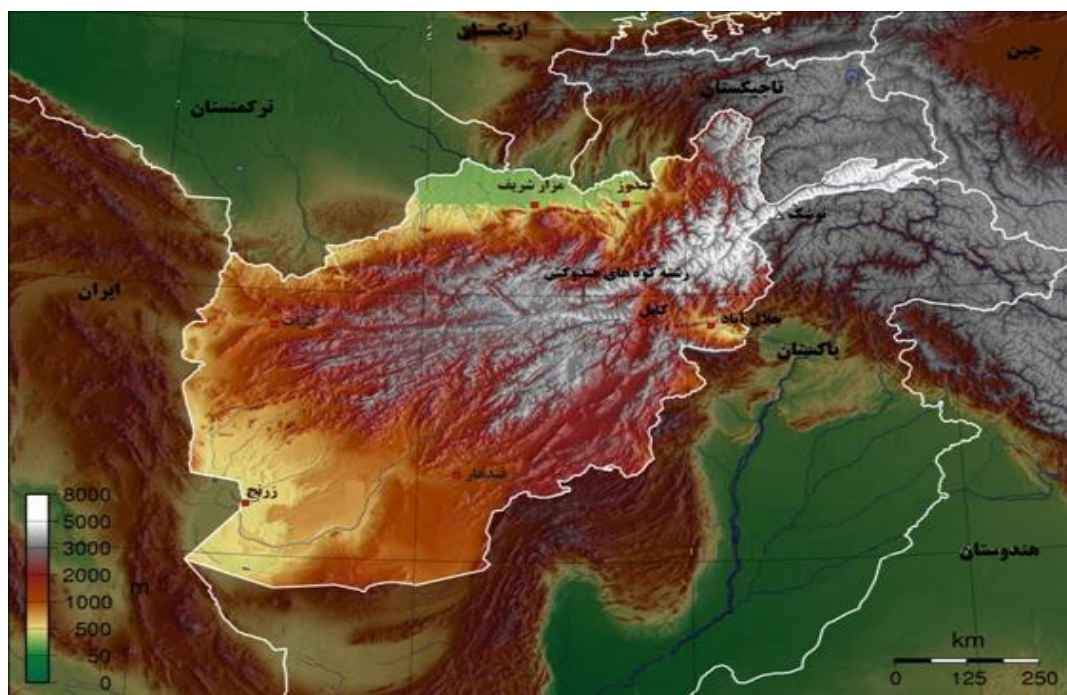
باید توجه کرد که بخش اعظم جمعیت افغانستان در روستاها ساکن هستند و با تغییر شبکه زندگی و تمرکزگرایی که خاص کشورهای جهان سوم است، هر روز بر میزان تمرکز جمعیت در نقاط شهری و تخلیه جمعیت در بسیاری از

مناطق این کشور افزوده می‌شود که خود سبب نابودی فعالیت‌های اقتصادی، حاشیه‌نشینی در شهرهای بزرگ و متوسط و کاهش امنیت در مناطق خالی از جمعیت می‌شود.

بنابراین می‌توان گفت براساس ساختار جغرافیای طبیعی (ژئومورفولوژیک- اقلیمی- منابع آب) و جغرافیای انسانی، فعالیت و جمعیت به گونه‌ای همسان و یکدست در سرزمین افغانستان پراکنده نشده است که با افزایش روند شهرنشینی این فرآیند تمرکزگرایی و قطبی شدن فعالیت و جمعیت در حال افزایش است که بخش‌های زیادی از کشور را تخلیه می‌کند. این مسئله منجر به فقر در حاشیه شهرها و ناامنی در این مناطق و مناطق تخلیه شده جمعیتی می‌شود. بنابراین یکی از مسائل مهم در افغانستان ناتعادلی رو به فزونی فعالیت و جمعیت در این کشور است.

شکاف‌های جغرافیایی و ژئوپولیتیک شکننده افغانستان

با نگاهی به نقشه طبیعی و نقشه پراکنش جمعیت در افغانستان می‌توان به شکاف‌های طبیعی و انسانی در ساختار جغرافیایی این کشور پی برد. رشته کوه‌های هندوکش همانند سدی عظیم این کشور را به سه حوزه اصلی و چندین حوزه کوچک تبدیل نموده است. حوزه پشتون زبان در شرق و جنوب این کوهستان، به طرف حوزه پشتون‌زبان پاکستان کشیده شده است. حوزه فارسی‌زبان (تاجیک، هزاره‌ها و وابستگان)، در مرکز، شمال و شمال‌شرق به سمت تاجیکستان فارس‌زبان و در غرب به سمت ایران فارسی‌زبان امتداد یافته است. حوزه ترک‌زبان، ترکمن و ازبک نیز در قسمت شمال و شمال‌غرب در همسایگی ازبکستان و ترکمنستان ترک‌زبان قرار گرفته‌اند. در این بین به دلیل پراکندگی زبان فارسی در مرکز و نقاط مختلف کشور، سابقه طولانی فارسی و جمعیت قابل توجه فارسی‌زبان، این زبان به‌عنوان زبان رسمی این کشور شناخته شده است. در کنار این زبان، زبان پشتون نیز به دلیل اکثریت و پراکندگی پس از فارسی به‌عنوان زبان رسمی دیگر افغانستان است (Mottaghi & Rashidi, 2012: 83).



Map.6: Geomorphological gap of Afghanistan through the Hindu Kush mountains

Source: Maps of World.Com, Edited by Authors

در کشور افغانستان، شکل پراکنش جمعیت به صورت مشخصی از شکل ژئومورفولوژیک سرزمینی این کشور تبعیت می‌کند. محیط مجزا و مرزبندی شده، ساکنین خود را با روحیات، باورها و خصلت‌های محیطی ویژه‌ای پرورش و سازگاری داده است که این ویژگی‌ها عمدتاً صورت و سیرت متفاوتی از هم‌دیگر پیدا می‌کند (Farajirad & Others, 2011: 122). این ویژگی‌های محیطی و به تبع آن پراکنش جمعیتی و قومی و قبیله‌ای، سبب انزوای مردم افغانستان و جدایی طولانی مدت بین آن‌ها شده است. در اثر عدم تعامل این اقوام و قبایل با یکدیگر و در عوض تعامل برون مرزی آن‌ها با ادامه زبانی و فرهنگی خود در کشورهای دیگر مانع از شکل‌گیری یک کل به هم پیوسته و یکپارچه به نام ملت و در نتیجه دولت-ملت یا دولت ملی شده است. می‌توان بر اساس این واقعیت گفت که افغانستان یک محیط غیرمتجانس جغرافیایی است که صرفاً با مرزهای سیاسی در یک مجموعه تصنعی گرد آمده است. این ویژگی کشور افغانستان سبب بروز مسائلی می‌شود که در بالا بدان اشاره شد. طبیعت محصور و کوهستانی و زندگی روستایی، به‌طور طبیعی روح خشونت، معارضة، عدم خویشن‌داری، عدم انعطاف و کینه‌جویی را در میان مردمان و اقوام افغانستان موجب شده است. توانمندی ناسازگاری مانند یک آتشفشان خاموش ولی فعال همواره در مقابل افراد و اقوام کشور وجود داشته و بهانه‌ای نیاز داشته تا به گونه‌ای گسترده مشتعل گردد (Vaezi, 2002: 71). این عامل یکی از سلسله عوامل ژئوپلیتیکی در ظهور رشد جریان‌های افراطی در پهنه جغرافیایی افغانستان است. طالبان نماد اصلی افراط‌گرایی در افغانستان با تکیه بر جغرافیای فرهنگی ویژه و از هم گسسته کشور افغانستان شروع به رشد و گسترش نمود. روستاها در افغانستان بصورت منزوی و جزیره‌ای حالتی از خودمختاری را دارا هستند. این روستاها توسط افراد روستا اداره می‌شوند، و امور اداری-سیاسی، مذهبی و امنیتی بصورت خودمختار توسط برخی از افراد روستا ساماندهی می‌شوند. این امر سبب سهولت کار طالبان برای تسخیر این روستاها می‌شد. رشته‌کوه‌های بلند هندوکش با دره‌های متعدد از دیرباز عامل پیدایی خرده فرهنگ‌های کوچک‌تری نیز در افغانستان شده است. این امر سبب انزوای گروه‌های جمعیتی از یکدیگر می‌شود. دیوید کیلکولن^۱ انزوای طبیعی گروه‌هایی از جمعیت را به‌عنوان عنصری برای هموار شدن احتمال نفوذ جنبش‌های افراطی می‌بیند. نمونه‌هایی از آن دره‌های و تاپور^۲ و کورنگال^۳ در ولایت کُنار^۴ است. دورافتادگی مناطق کوهستانی از یکدیگر منجر به عدم وجود ساختار دولتی شده است. روابط قدرت سنتی بیندولت (ملک)، قبیله (خان و جرگه) و مذهب (ملا و علما) در اثر سال‌ها جنگ و درگیری از بین رفته است. طالبان با استفاده از این وضعیت به راه‌اندازی دولت سایه، استقرار نهادهای مذهبی و تحت فشار قرار دادن ساختارهای قبیله‌ای استفاده می‌کند (Kilcullen, 2009: 238).

یکی از عوامل دیگر در شکاف جغرافیایی افغانستان که زمینه‌ساز ظهور و رشد ناامنی و تروریسم و عدم ثبات و همگرایی بوده، نظام قبیله‌ای و تعدد قبایل در این کشور است. نظام قبیله‌ای در افغانستان، نظام بسته و خودمحمور است. خصوصیت این نظام، فراقنی و درون‌گرایی است که پرده‌ای از بی‌اعتمادی را نسبت به محیط بیرونی، در ذهن و بینش جامعه اشاعه می‌دهد. پیوستگی غریزی افراد یک قبیله و روابط درونی یک محیط زیستی مشترک،

^۱ . David Kilcullen

^۲ . Watapur

^۳ . Korengal

^۴ . Kunar

نوعی سلسله‌مراتب و قشربندی‌های ثابت اجتماعی در داخل سازمان قبیله‌ای ایجاد کرده که عملاً ارتباط آموزه‌ها را مابین پیروان و بستگان قبایل بسته است (Farajirad & Others, 2011: 121). زندگی روستایی با فرهنگ، آداب، هنجارها و باورها و سنت‌های قبیله‌ای که در هر قبیله‌ای متفاوت است، مقاومت سرسختانه‌ای را برابر فرآورده‌های مدرن بروز می‌دهد. علاوه بر این، تفاوت آئین‌ها و نمادهای قومی در کنش‌های اجتماعی، به دلیل برنتابیدن عناصر نامشابه یک‌دیگر، به چالش در می‌افتند. بنابراین، فرهنگ قبیله‌ای از یکسو با نشانه‌های زندگی مدرن در تقابل است و از سوی دیگر با ممیزه‌های فرهنگ میان قومی در تعارض. فرآیند عینی این روند، قایم شدن بحران ذهنی و بروز رفتارهای ناهنجار در تعادل ملی بوده است. فقدان شناخت، فهم و علاقه همگانی و متقابل در جهت بازیابی مشترکات و عدم توافق بر تعریف منافع ملی، امکان و اعتبار ملت‌سازی و تلفیق هویت‌های قومی به «هویت ملی» را کم رنگ ساخته است (Borchgrevink, 2010: 45).

در کل شکاف سرزمینی کشور افغانستان، سبب عدم تعامل بین گروه‌های مختلف قومی-قبیله‌ای، شهر و روستا و غیره شده است. این شکاف‌ها به همراه موقعیت حساس ژئوپلیتیکی افغانستان در سرحدات بین قدرت‌هایی مانند ایران و هند، انگلیس و روسیه، ایالات متحده و شوروی در گذشته و موقعیت گذرگاهی آن در جهان کنونی، سبب ایجاد ژئوپلیتیکی شکننده برای افغانستان شده است. چرا که این موقعیت ژئوپلیتیکی قابل توجه افغانستان در جمع با جغرافیای طبیعی-انسانی از هم گسسته آن، سبب ایجاد محیطی شکننده برای شهروندان افغانی و همسایگان آن‌ها شده است.

ضعف زیرساخت‌ها، ارتباطات و راه‌ها

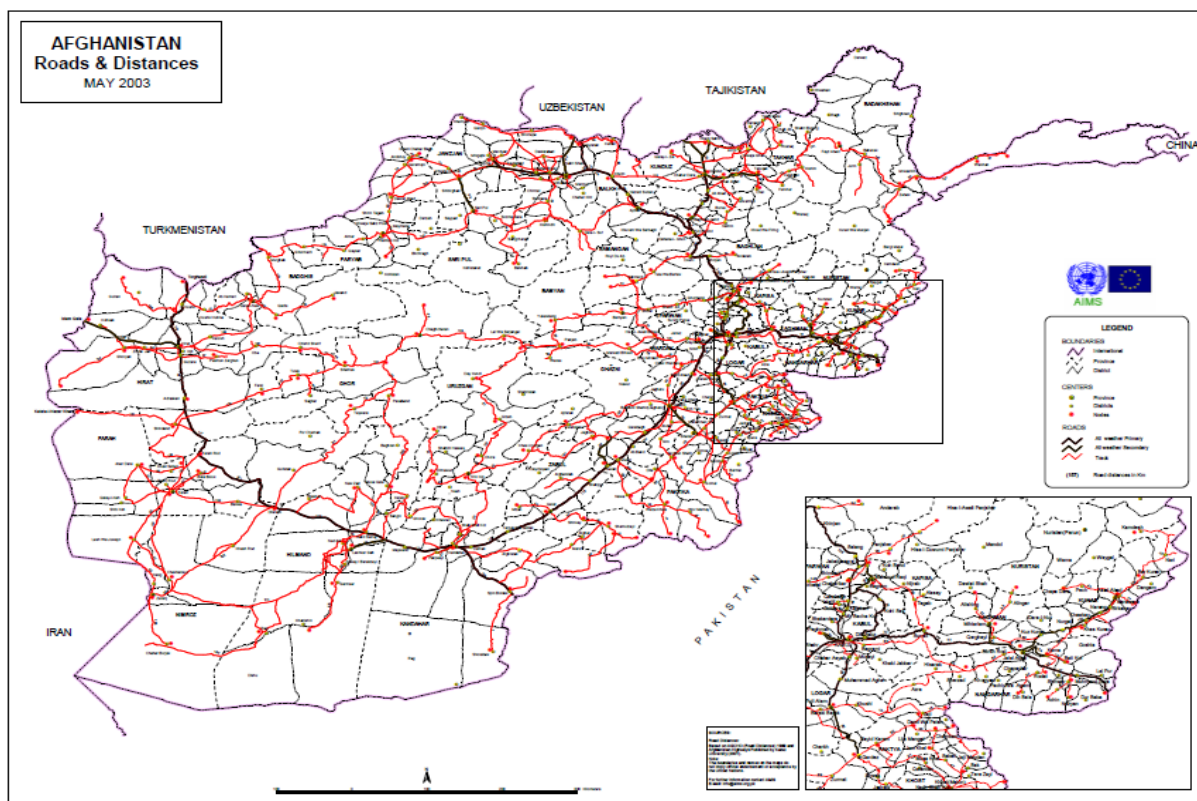
کشور افغانستان به دلیل تاریخ پر فراز و نشیبی که از زمان تأسیس براساس مرزهای مشخص جغرافیایی داشته است (احمدشاه ابدالی)، فرصت زیادی جهت توسعه و آبادانی نداشته است. زیرا در دوره‌ای طولانی محل نزاع و کشمکش بین بریتانیا و روسیه تزاری و سپس شوروی بوده و در ادامه درگیر تروریزم و گروه‌های افراطی شده که از کشورهای همسایه بویژه پاکستان وارد این کشور شده‌اند. بنابراین زیرساخت‌های این کشور بویژه بسترهای ارتباطی در آن بسیار ضعیف است. این شرایط بی‌ثبات در حالی به صورت مستمر وجود داشته که جغرافیای طبیعی افغانستان نیز همان‌طور که گفته شده بسیار سخت و نامناسب جهت توسعه راه‌ها، ارتباطات و زیرساخت‌ها بوده است. کوهستان بزرگ هندوکش در مرکز افغانستان که در هر جهت این کشور دامنه‌هایش کشیده شده، باعث شده تا هزینه ایجاد زیرساخت‌های ارتباطی بسیار زیاد باشد. شکل ژئومورفولوژیک سرزمینی افغانستان سبب تحمیل مسیر ارتباطی حلقوی با مشخه یک راه سراسری پر پیچ و خم، طولانی، ناامن و هزینه‌بردار شود. این راه از شمال شرق به صورت حلقوی به سمت کابل سپس قندهار بعد اورزگان و با ادامه مسیر به هرات می‌رسد. یعنی یک دایره تقریباً کامل در اطراف افغانستان که مثلاً ارتباط سریع بین شرق و غرب افغانستان (کابل-هرات) را بسیار زمان‌بر، ناامن و غیر مقرون به صرفه اقتصادی نموده است.

جاده حلقوی یا سرک حلقوی افغانستان راه تک بانده ای است به طول حدود ۳۳۶۰ کیلومتر که ۱۶ ولایت افغانستان را به هم وصل می‌نماید. این بزرگ راه از کابل شروع شده پس از گذشتن از ولایات پروان، بغلان، سمنگان، بلخ، شبرغان، میمنه، بادغیس، هرات، فراه، هلمند، قندهار، غزنیو وردکبه‌طور حلقوی دوباره به کابل می‌رسد

(www.salamwatandar.com). بیش از دو سوم جمعیت افغانستان در فاصله -حداقل- پنجاه کیلومتری این شاهراه زندگی می‌کنند (www.bbc.co.uk).

راه کابل به قندهار: این راه یکی از راه‌های درجه اول ترانزیتی افغانستان بوده استان‌های مهم کشور را با هم ارتباط می‌دهد. با پایان ساخت این راه ارتباط میان قندهار و سپین بولدکرا از یک طرف و نقاط عمده کشور چون غزنی، مقر، قلاترا از طرف دیگر تأمین کرده‌است. کار نقشه‌برداری این راه در سال ۱۳۳۶ خورشیدی آغاز و در سال ۱۳۴۵ کار ساخت آن خاتمه یافت. طول این راه ۴۸۳ کیلومتر بوده در طول سال قابل استفاده است زیرا در خط و سیر آن شاهراه نقاط مرتفع واقع نشده و دارای کوتل نیست این راه توسط کمک ایالات متحده آمریکا و متخصصین آن تکمیل گردیده‌است. راه بین قندهار و سپین بولدک که ۱۰۱ کیلومتر طول دارد از جمله راه‌های پخته و اساسی بوده عمده‌ترین راه ترانزیتی را بین قندهار و کوپته تشکیل داده‌است.

راه قندهار، هرات و تورغندی: این شاهراه یکی از مدرن‌ترین شاهراه افغانستان شمرده شده تقریباً تماماً از بتن ساخته شده‌است. طول این راه یعنی از قندهارالی تورغندی (قره تپه) ۶۷۴ کیلومتر بوده، دوازده متر عرض دارد که بخش بتنی آن به هفت متر می‌رسد. مقاومت این راه زیاد بوده و در ایام تابستان هم تخریب نمی‌گردد. راه اسلام‌قلعه به هرات: بعد از آنکه راه کابل، قندهار و هرات تکمیل گردید، اتصال راه هرات و اسلام‌قلعه (نقطه مرزی با ایران) یک امر ضروری پنداشته شده راه عمده ترانزیتی بین هرات و مشهد را تشکیل می‌دهد. کار ساخت این راه در سال ۱۳۲۳ آغاز شده و در سال ۱۳۴۶ به پایان رسید. این شاهراه در تمام سال فعال بوده یک شاهراه عمده بشمار می‌آید.



Map.7: Afghanistan Roads & Distances
Source: AIMS, 2003

به طور کلی کشور افغانستان به لحاظ راه‌ها و ارتباطات دارای ضعف بنیادی است و هنوز نتوانسته با غلبه بر ژئومورفولوژی کوهستانی خود به کمک تکنولوژی و سرمایه به استاندارد از راه‌ها و زیرساخت‌ها برسد. بسیاری از شهرهای افغانستان نیز به لحاظ برنامه ریزی و طراحی شهری و زیرساخت‌های لازم در مرحله ابتدایی قرار دارند. راه آن در افغانستان بجز چند مسیر بسیار کوتاه به طور کل وجود ندارد. نبود زیرساخت‌ها و راه‌های ارتباطی از اساسی‌ترین موانع توسعه در افغانستان است؛ چراکه از یکسو نبود راه‌های ارتباطی و زیرساخت‌های شهری و روستایی از قبیل زیرساخت‌های توسعه یافته سکونتگاهی، خدمات برق، گاز و آبرسانی سبب محرومیت و عدم امکان پایداری جمعیت و جذب سرمایه و در نتیجه مهاجرت و حاشیه نشینی می‌شود و از سوی عدم دسترسی و کنترل سریع حکومت به تمام نقاط کشور سبب افزایش ناامنی می‌شود که در ادامه به آن اشاره خواهد شد.

تروریزم و ناامنی

شکاف و گسست‌های جغرافیایی-سیاسی، ضعف زیرساخت‌ها و راه‌ها جهت تعامل اقوام و توسعه، دخالت قدرت-های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و دولت ورشکسته (فرومانده)^۱، شکننده^۲ و وابسته افغانستان چهار عامل اصلی در بروز ناامنی، بی‌ثباتی و تروریزم در افغانستان هستند. همان‌طور که قبلاً توضیح داده شد ژئوپولیتیک شکننده و گسست‌های جغرافیایی-سیاسی با شرایطی که در کشور افغانستان فراهم آورد، بستر را برای ظهور و گسترش طالبان فراهم کرد، کشورهای غربی مانند ایالات متحده به همراه عربستان سعودی که مرکز وهابیت بود و امارات، در جهت اجرا کردن سیاست سد نفوذ آمریکا و به بهانه جهاد با کفر، شروع به ارسال طلبه‌هایی به افغانستان نمودند. محیط جغرافیایی افغانستان نیز زمینه تقویت این طلبه‌ها و شکل‌گیری جریان طالبان را مهیا نمود. در روند فروپاشی شوروی، دخالت نظامی در افغانستان یک عامل تسریع‌کننده بود. پس از آن‌هم از نظر سیاسی، آسیای مرکزی و دریای خزر به عنوان مناطق جدید حیاتی برای منافع استراتژیک غرب تعریف شد. راه‌یابی آسیای مرکزی به آب‌های آزاد و انتقال نفت و گاز آن به بازارهای مصرف (Rashid, 2001: 260)، پیش‌زمینه‌های اقتصادی ظهور طالبان را فراهم آورد. پاکستان در یک زدوبند سیاسی-اقتصادی و نظامی و با استفاده از بستر بحرانی در افغانستان، به کمک سرویس‌های جاسوسی آمریکا و انگلیس (Raja, 2007: 5) و کمک مالی عربستان، جنبش وابسته طالبان را با هدف ایجاد امنیت مسیر تجارتش با آسیای مرکزی و خاتمه‌دادن به مسئله سیاسی پشتونستان به وجود آورد. گروه طالبان با ترکیبی از نیروهای مختلف که یا در پاکستان آموزش دیده بودند و یا عضو رژیم سابق کمونیستی بودند و بعداً جذب طالبان شدند و یا اعضای جریان‌های دیگری بودند که با تمایل یا تطمیع جذب شدند، در سایه حمایت مستقیم پاکستان و پشتیبانی مالی و سیاسی عربستان، امارات متحده عربی و ایالات متحده آمریکا در سپتامبر ۱۹۹۴ با عنوان «مبارزه برای امنیت» به افغانستان حمله‌ور شدند و در همان سال بزرگ‌ترین شهر در جنوب افغانستان یعنی قندهار را که پشتون‌نشین است تصرف کردند، در دسامبر ۱۹۹۵ با اشغال استان غیر پشتون‌نشین هرات خود را به مرزهای ایران نزدیک نمودند و در سال ۱۹۹۶ موفق شدند کابل را تسخیر کنند. طالبان رفته‌رفته تا سال ۱۹۹۸ بر حدود ۹۰ درصد خاک افغانستان مسلط شد (Nasri Meshgini, 1998: 18). با حمله آمریکا به افغانستان در سال ۲۰۰۱ طالبان کنترلش را بر شهرها از

¹ . Failed States

² . Fragile States

دست داد اما تا کنون این گروه و سایر گروه‌های تروریستی در مناطق کوهستانی و روستاها حضور داشته و منتظر شرایطی جهت تصرف شهرها هستند؛ همین‌طور که در سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۷ شهر قندوز را به تصرف خود درآوردند (www.dw.com/fa-ir).

در کنار گسست‌های ژئوپولیتیکی افغانستان که مانع تعاملات قوی اجتماعی-فرهنگی در طول تاریخ و دولت-ملت-سازی و در نتیجه بروز ناامنی و تروریزم مذهبی و قومی در افغانستان شده است، نبود زیرساخت‌های ارتباطی که قبلاً به آن اشاره شد نیز نقشی تشدیدکننده در ناامنی و گسترش تروریزم داشته است. دولت مرکزی زمانی می‌تواند کنترلی سریع و موثر بر سرزمین و ملت داشته باشد که دارای راههای دسترسی باکیفیت و فراگیری باشد. عدم وجود راههای کافی به تمام نقاط افغانستان که به صورت استاندارد و با زمان حداقلی دسترسی دولت مرکزی را به همه جای کشور فراهم نماید، سبب تسلط گروه‌های مخالف دولت مرکزی بویژه تروریست‌ها بر مناطق با دسترسی کم و دارای بن‌ست جغرافیایی شده است. علاوه بر این موارد باید به دخالت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و نهایتاً ورشکستگی یا فروماندگی دولت افغانستان نیز اشاره کنیم. کلاً این عوامل در پیوند با یکدیگر سبب ناامنی و تروریزم در افغانستان شده‌اند. در شرایطی که دولت افغانستان توان کنترل کشور را به دلایل مذکور ندارد، این دولت عملاً لفظ ورشکسته یا فرومانده را به خود گرفته است که براساس معیارهایی که نوام چامسکی^۱ در کتاب خود با عنوان «دولت‌های فرومانده» (Chomsky, 2014) بیان کرده و رتبه‌بندی که سایت «فارین پالیسی»^۲ و «بنیاد صلح»^۳ نموده، افغانستان در رده ششمین دولت فرومانده جهان است.

سایت سیاست خارجی و بنیاد صلح در ششمین همکاری سالانه خویش، شاخص آسیب پذیرترین کشورها و یا به عبارتی، دولت‌های ورشکسته را منتشر کرده‌اند. به گزارش سایت «فارین پالیسی»، در فهرست کشورهای ورشکسته، کشور سومالی در رتبه نخست است و کشورهای سودان، چاد و زیمبابوه در رتبه دوم تا چهارمند. علاوه بر این، کنگو، افغانستان، عراق و جمهوری آفریقای مرکزی در رده پنجم تا هشتم قرار گرفته‌اند و گینه و پاکستان هم در رده نهم و دهم هستند. بنا بر این گزارش، این طبقه‌بندی بر پایه دوازده شاخص صورت گرفته است که از میان این شاخص‌ها، می‌توان به نقض حقوق بشر، نرخ پناهندگی، تنزل وضعیت اقتصادی، خدمات عمومی، دخالت خارجی و وضعیت امنیتی اشاره کرد. در شاخص جمعیت، کنگو بدترین نمره را دارد، به گونه‌ای که ۵۰ درصد جمعیت این کشور زیر چهارده سال هستند. در شاخص آوارگی، سومالی رتبه نخست را داراست، چرا که حدود یک چهارم مردم این کشور در جنگ‌های داخلی آواره و نابود شده‌اند. در شاخص وجود حکومت‌های غیر قانونی افغانستان و سومالی در عنوان بدترین با هم شریک هستند. در شاخص فرار مغزها، زیمبابوه با فرار یک پنجم از نخبگان، بدترین رتبه را دارد. در خدمات‌رسانی عمومی، نیجر بدترین نمره و در نابرابری سومالی و کنگو، رکورد دار بدترین‌ها هستند. در حقوق بشر، سومالی و سودان در تنزل شرایط اقتصادی کره شمالی، سومالی و زیمبابوه

^۱ . Noam Chomsky

^۲ . Foreign Policy

^۳ . Peace Fund

بدترین هستند. در شاخص دخالت خارجی نیز طبیعتاً افغانستان، بدترین شرایط را داراست (Foreign Policy, 2016).

این ورشکستگی دولت افغانستان و عدم توان کافی برای اداره و کنترل سرزمین سبب ناامنی گسترده و نهادینه در این کشور شده که افغانستان را به پایگاه بزرگ افراطیون اسلام‌گرا مانند القاعده، طالبان و اخیراً داعش بدل نموده است. خود ناامنی و تروریزم بزرگترین مانع توسعه حتی در سطوح پایین مانند سوادآموزی، خدمات‌رسانی، احداث جاده، بیمارستان، مدارس و در سطح درآمدزایی مانع جذب سرمایه و توریزم و غیره می‌گردد. این دور امنیت-توسعه و توسعه-امنیت به چرخه سیاسی افغانستان مبدل شده است که مانع از هر دو امر امنیت و توسعه شده است.

پدیده قاچاق

از نظر مجامع بین‌المللی، قاچاق موادمخدر و داروهای روان‌گردان در کنار سه بحران دیگر (هسته‌ای، جمعیتی و محیط زیست) که بشریت را در قرن حاضر تهدید می‌کند، قرار دارد. از طرف دیگر سرمایه در گردش این فعالیت در جهان از نظر تجاری، آن را در رتبه بعد از نفت، تروریسم و سلاح قرار داده است (Iran Drug Control Headquarter, 1998: 72). برابر آمار موجود و گزارشات منتشرشده، سه چهارم کشت غیرقانونی خشخاش در سطح جهان، تنها در دو کشور افغانستان و برمه صورت می‌گیرد، هند، پاکستان، چین، تایلند، لائوس، مکزیک و کلمبیا، دیگر کشورهایی هستند که در آن‌ها به صورت غیرمجاز خشخاش کشت می‌شود. تا سال ۱۹۹۶ مساحت زمین‌های زیرکشت این مواد در سطح جهان به ۲۸۰۰۰۰ هکتار رسیده است و تقریباً ۹۰ درصد تریاک جهان در آسیا در دو منطقه هلال طلائی و مثلث طلائی، تولید و استحصال می‌شد. تولید تریاک در افغانستان در بین سال‌های ۱۹۹۰الی ۱۹۹۹ سیر صعودی داشته است. تولید تریاک در سال ۱۹۹۵ در حدود ۳۰۰۰ تن و در سال ۱۹۹۹ به ۴۵۰۰ تن رسیده است (Iran Drug Control Headquarters, 1995). در سال ۱۹۹۰ به طور متوسط سطح زیر کشت خشخاش ۶۰۰۰۰ هکتار بوده اما طبق آمار منتشره از سویس از مان ملل متحد در ۲۰۱۰ به ۱۲۳۰۰۰ هکتار افزایش یافته است. تنها در سال ۲۰۰۱ یعنی زمانی که طالبان کشت خشخاش را حرام اعلام می‌کند این رقم به ۸۰۰۰۰ هکتار تنزل می‌یابد در حالی که در سال قبل از آن یعنی ۲۰۰۰ مقدار آن ۸۲۰۰۰ هکتار بود و با فروپاشی حکومت طالبان از ۲۰۰۲ به بعد که شاهد افزایش چشمگیر و در سال ۲۰۱۰ این سطح به ۱۲۳۰۰۰ هکتار رسیده است (Farajirad & Others, 2011: 200).

دولت افغانستان و جامعه بین‌المللی تأکید کرده‌اند که تولید و قاچاق موادمخدر، منبع اصلی بی‌ثباتی در افغانستان است، در طی سال‌های بعد از حمله آمریکا به این کشور نیز تولید تریاک، روندی فزاینده داشته است. برپایه یک گزارش دیگر، ۹۳ درصد از تریاک جهان در سال ۲۰۰۷ در افغانستان تولید شده است. مزارع خشخاش عمدتاً در جنوب تمرکز یافته‌اند و کشت این محصول از جمله عوامل درآمدزایی صاحبان مزارع و حیات اقتصادی افغانستان است (Bozorgmehri, 2010). این کشور هم چنین ۷۵ درصد از هروئین بازار جهانی و ۹۵ درصد از هروئین بازار اروپا را فراهم می‌کند. هم چنین، طالبان و سایر گروه‌های افراطی در سال ۲۰۰۸، صدمیلیون دلار از طریق تجارت تریاک و سایر موادمخدر در افغانستان به دست آوردند و تجارت این مواد، مهم‌ترین منبع درآمد برای شورشیان طالبان است (Blair, 2010: 19). که درآمد هنگفت حاصل از فروش این مواد برای طالبان، امنیت ملی کشور

افغانستان و حتی همسایگانی مانند ایران را نیز با چالش مواجه می‌کند. گفتنی است گروه‌های خارجی دیگری نیز در زمینه تجارت موادمخدر با القاعده در ارتباط‌اند. مواد مخدر به دلیل تأمین مالی تروریسم و به عنوان مانعی بر سر راه کشاورزی رسمی و معمول و نیز گسترش اعتیاد در بین مردم محلی، یکی از عوامل مهم در عدم توسعه یافتگی و امنیت در افغانستان است. مادامی که موادمخدر به عنوان منبع مالی گروه‌های تروریستی در افغانستان کشت شود، توان مالی این گروه‌ها حفظ خواهد شد و در مقابل دولت مرکزی افغانستان از توانایی برخوردار خواهند بود. در نتیجه یکی از تهدیدات اصلی قاچاق و کشت مواد مخدر و ترانزیت سایر مواد و لوازم است که تروریست‌ها منتفع اصلی آن‌ها هستند.

نتیجه‌گیری و دستاوردهای علمی پژوهشی

کشور افغانستان در بعد داخلی دارای قوت‌ها و ضعف‌های است که با مدیریت آمایشی در چهارچوب ژئوپولیتیکی کلان می‌توان نسبت به بهره‌گیری از قوت‌ها و حل یا تعدیل ضعف‌ها برآمد. کشور افغانستان به واسطه منابع معدنی مانند مس، آهن، زغال‌سنگ، لیتیوم و فلزات گرانبها می‌تواند بخش زیادی از نیاز سرمایه‌ای خود تأمین کند و از میزان وابستگی خود به خارج بکاهد. اکتشاف و استخراج نفت و گاز افغانستان حداقل می‌تواند نیاز داخلی کشور را درگام اول تأمین کند تا بخش زیادی از درآمد و کمک‌های خارجی به خرید انرژی صرف نگردد. با بهره‌گیری از سرمایه ناشی از اکتشاف و صادرات فلزات مذکور می‌توان نسبت به مدرن‌سازی و گسترش سطح زیرکشت و شیوه آبیاری گام برداشت و نسبت به اشتغال‌زایی و خودکفایی در تأمین مواد اساسی غذایی گام برداشت. ذخایر عظیم آبی در شمال افغانستان به عنوان ظرفیت عظیم جهت توسعه کشاورزی، انرژی برق‌آبی، شیلات و نیز بسته‌بندی و فروش آب شیرین به همسایگان است که حتی فروش آب از طریق لوله‌کشی نیز ممکن است. نزدیکی معادل آهن و مس و غیره به منبع آبی شمال افغانستان زمینه بسیار مناسبی جهت استخراج و فرآوری این فلزات در همان مناطق است که خود نوعی مزیت دسترسی به آب و معادن در یک محدوده نزدیک به هم جهت تولید مقرون به صرفه محصولات فرآوری شده از آهن، مس و غیره است. با توسعه راه‌ها و زیرساخت‌ها به کمک درآمدهای حاصل از بخش معادن و انرژی و حتی کشاورزی می‌توان زیرساخت‌ها و راه‌های کشور را جهت کنترل دولت مرکزی و ایجاد امنیت به کار گرفت که با حاکم شدن امنیت نسبی و وجود زیرساخت‌های مذکور زمینه برای توسعه گردشگری طبیعی و انسانی فرهنگی فراهم می‌گردد که خود بزرگترین منبع اشتغال و درآمد در افغانستان خواهد بود.

عدم تناسب اقلیم، منابع آب و خاک در کشور افغانستان را باید با تعریف کارویژه‌های گردشگری و خدماتی و صنایع کم‌آب‌بر و محصولات خشک‌پسند در مناطق کم‌آب مدیریت نمود. در مناطق پر آب با خاک کم می‌توان به توسعه و فرآوری معادن در صنایع سنگین پرداخت و در مناطق با خاک و آب مناسب مانند حوضه آمودریا و رود کابل به توسعه با کشاورزی با ظرفیت بالای کشت و بازردهی پرداخت. با اتخاذ این سیاست و فعال نمودن سایر کارویژه‌های سرزمینی مانند خدمات گردشگری و ایجاد شرایط امن در نقاط مختلف کشور می‌توان فعالیت و جمعیت در افغانستان را بازسازماندهی کرد. در بحث شکاف‌ها و گسست‌های ژئوپولیتیکی، دولت می‌بایست با توسعه متوازن مناطق مختلف و توسعه زیرساخت‌ها و راه‌های ارتباطی بین مناطق مختلف و در نتیجه تقویت شبکه

تعاملات بین شهروندان و تقویت حس شهروندی افغانستان از این طریق، برگسست‌های جغرافیایی و فرهنگی و در نتیجه ژئوپولیتیکی غلبه کند؛ هرچند این امر در گرو فراهم نمودن زیرساخت‌ها به کمک تأمین سرمایه و تکنولوژی از مزیت‌های زود بازده‌تر مثل معادن و انرژی و سپس کشاورزی است. با توسعه در بخش معادن و انرژی و کشاورزی و تأمین سرمایه و تکنولوژی اولیه جهت ایجاد زیرساخت‌ها و راهها، حلقه تعاملان شهروندان گسترده شده و دسترسی و کنترل دولت بر تمام نقاط کشور نیز ممکن می‌گردد که این امر زمینه ثبات و مبارزه با تروریسم را فراهم می‌کند که در گام بعدی با توسعه گردشگری و عدالت در توزیع درآمد به سطح بالای امنیتی و ثبات سیاسی دست خواهیم یافت. در این میان پدیده قاچاق نیز به دلیل کنترل بیشتر دولت و توسعه کشاورزی متعارف به تدریج از بین خواهد رفت و خود این امر سبب تضعیف شدیدتر تروریسم به دلیل خشکاندن منابع درآمدیش می‌گردد. بنابراین سندروم توسعه‌نیافتگی و ناامنی در افغانستان به یک رویکرد ژئوپولیتیکی و آمایشی گام به گام و میان مدت و بلندمدت (راهبردی) با یک چشم‌انداز مشخص نیاز دارد که با زدودن یک یک عوامل ضعف و بهینه‌سازی و ارتقاء نقاط قوت به نقطه ثبات برسد تا زمینه توسعه در این بستر امن فراهم گردد. تمامی عوامل توسعه و ثبات با یکدیگر مرتبط بوده و برخی از آن‌ها براساس شرایط کشور افغانستان بر سایر عوامل الویت زمانی دارد.

عوامل داخلی مبتنی بر ضعف و قوت و راهبردهای مرتبط جهت تعدیل یا ریشه‌کنی ضعف‌ها و ارتقا و شکوفایی قوت‌هایی که حالت بالقوه دارند، به عنوان زمینه‌های داخلی در امر توسعه و امنیت پایدار نقش‌آفرینی می‌کنند. این زمینه‌های داخلی اگر با راهبردهای درست در دو بخش تعدیل‌سازی و شکوفایی به وضعیت مناسبی برسند، زمینه را برای کاهش تهدیدات و بهره‌گیری از فرصت‌های خارجی نیز فراهم می‌نمایند. در کشورهای توسعه نیافته به دلیل ضعف‌های داخلی فزاینده و قوت‌هایی که مورد توجه واقعی قرار نمی‌گیرند، عوامل خارجی نیز با روند فزاینده تهدیدات و از دست رفتن فرصت‌های پیش‌رو همراه است. در چنین شرایطی کشورهای مذکور با طیف بزرگی از ضعف‌ها و تهدیدات در حال رشد و محدودیت‌های گسترده در بالفعل‌سازی قوت‌ها و فرصت‌ها مواجه‌اند. بنابراین راهکار تغییر مسیر اینگونه کشورها از جمله کشور افغانستان از مسیر عدم توسعه با توسعه‌یافتگی، اصلاح روندهای بالفعل‌سازی قوت‌ها و تعدیل ضعف‌ها در درون جهت زمینه‌سازی برای مقابله با تهدیدات و بهره‌گیری از فرصت‌ها در راستای توسعه و امنیت پایدار است.

References

- Afghanistan Statistics Center, (2016), Afghanistan in the mirror of the figures, Available at: <http://cso.gov.af/fa>. [In Persian]
- Bozorgmehri, Majd, (2010), The Presence of NATO in Afghanistan and its Leading Challenges, Strategic Studies Quarterly, Vol.13, No.2. [In Persian]
- Chomsky, Noam, (2014), Failed States, Translated by: Akram Pedramnia, Tehran:Ofogh Publications. [In Persian]
- Cohen, Saul B. (2003), "Geopolitical Realities and United States Foreign Policy", Political Geography, No. 22, pp. 1-33. [In English].
- Hataminejah, Hossein, Seyed Mohammad Hosseini & Seyed Ali Hosseini, (2010), The Position and Role of Geography in Spatial Planinng [In Persian], Geography Growth Education Magazine, Vol. 25, No.1; 46-51. [In Persian]
- Hekmatnia, Hasan (2004), "Afghanistan; Heartland of Asia", Payk-e Nour, Vol.2, No. 1, pp. 97-110. . [In Persian]

- Raja, A. A, (2007), Talibanism ; Taliban Movement among Islamic Movements; Research on Afghanistan's History, Available at: http://afghanistanhistory.net/home/index.php?option=com_content&task=view&id=34&Itemid=1. [In Persian]
- Rashid, Ahmad, (2001), The Taliban; Islam, Oil and New Great Game, translated by A. Shafaie, S. Bagheri & H. Rezaei Khavari, Tehran: Danesh Hasti Publications. [In Persian]
- Rashidi, Mostafa, (2014), Geopolitical Pathology of the Planning in Iran's Territorial Space with the Spatial Planning Approach and Providing Strategic Model, Ph.D. dissertation on Political Geography, University of Tehran, Faculty of Geography. [In Persian]
- Rahnamaei, Mohammadtaghi, (1993), Environmental strengths of Iran, Tehran: Center for Urban and Architecture Studies of Iran. [In Persian]
- Iran Drug Control Headquarters, (1995), Statistical and analytical report on the state of the world drug, Tehran. [In Persian]
- Iran Drug Control Headquarters, (1998), International Dimensions of Drugs [In Persian], Tehran.
- Sarvar, Rahim, (2005), Applied Geography and Land Use Planning, Tehran: SAMT Publications. [In Persian]
- Azimi, Mohammadazim, (2012), Ecotourism in Afghanistan, Kabul: Siraj Publishing. [In Persian]
- Farajirad, A, Mehdi Darkhor & S.H Sadati, (2011), Survey of the State-Nation-Building Process in Afghanistan and the Future Barriers, Encyclopedia Journal, No. 80. [In Persian]
- Kohzad, Ahmad.A, (2002), Afghanistan History, Stockholm. [In Persian]
- Mottaghi, Afshin & Mostafa Rashidi, (2012), To Survey and Analyze the Geopolitical Backgrounds and Factors of the Formation and Extension of Taliban in Afghanistan , Journal of Khorasan Great, Vol.3, No. 8; Pages 79-97. [In Persian]
- Mahdizadeh Kaboli, M.R, (2003), An Introduction to Afghanistan's History, First Printing , Qom: Ehsani Binding Press. [In Persian]
- Nasri Meshgini, GH, (1998), Taliban insurgency on Afghanistan and national security of the Islamic Republic of Iran, Monthly Political-Economic Information, No. 133-134 (October and November). [In Persian]
- Vaezi, Hamzeh, (2002), Afghanistan and incomplete structures of national identity, Tehran: Erfan Publications. [In Persian]
- Ministry of information and culture Directorate of tourism regulatory affairs, (2018), History of the Tourist Office, Available at: <http://tourism.gov.af/persian/index.php>, retrieved: 2018/04/01. [In Persian]
- McLachlan, Keith (1997), "Afghanistan: the Geopolitics of a Buffer State", Geopolitics, Vol. 2, No. 1, pp. 82-96, [In English]
- Borchgrevink, K. (2010). Beyond Borders: Diversity and Transnational Links in Afghan Religious Education. The International Peace Research Institute. Human Security Report Project. [In English]
- British Geological Survey, (no date), Minerals in Afghanistan, The potential for copper, Available at: https://www.bgs.ac.uk/AfghanMinerals/docs/Copper_A4.pdf, retrieved: 2017/11/24. [In English]
- British Museum, (2018), Afghanistan, available at: http://www.britishmuseum.org/whats_on/exhibitions/afghanistan.aspx, retrieved: 2018/05/18. [In English]
- Afghanistan waters portal, (2003), Afghanistan Agriculture, Available at: <http://afghanwaters.net/en/map-afghanistan-agriculture/> [In Persian].
- Deutsche Zusammenarbeit mit Afghanistan, (2007-2020), Erneuerbare Energien für Afghanistan, Verkrijgbaar bij: <http://www.germancooperation-afghanistan.de/de/project/erneuerbare-energien-für-afghanistan>, opgehaald: 2017/11/26. [In English]
- FAO, (2003), First-ever livestock census in Afghanistan, Available at: <http://www.fao.org/english/newsroom/news/2003/25511-en.html>, retrieved: 2017/12/20. [In Persian]
- Foreign Policy, (2016), Fragile States: Rankings and Map, Available at: <https://foreignpolicy.com/fragile-states-index-2016-brexit-syria-refugee-europe-anti-migrant-boko-haram/>. [In Persian]
- Hiebert, F & P Cambon, (2008), Afghanistan Hidden Treasures from the National Museum, Kabul, Washington: National Geographic, ISBN: 978-1-4262-0295-7. [In English]

- Kilcullen, D.(2009). Taliban and Counter-insurgency in Kunar. In *Decoding the New Taliban: Insights from the Afghan Field*. Edited by Antonio Giustozzi (New York: Columbia University Press, 2009). 243. [In English]
- Kuo, Chin, (2006), *The Mineral Industry of Afghanistan*, Minerals Yearbook, AFGHANISTAN, U.S. Geological Survey. [In English]
- Stephen G, Peters, Trude V.V. King, Thomas J. Mack, and Michael P. Chornack, (2011), *Summaries of Important Areas for Mineral Investment and Production Opportunities of Nonfuel Minerals in Afghanistan*, US Geological Survey, Available at: <https://pubs.usgs.gov/of/2011/1204/>, retrieved: [In English]
- Blair, Dennis C.(2010), *Annual Threat Assessment of the US Intelligence*. [In English]
- Sengupta, kim,(2010), *Afghanistan's resources could make it the richest mining region on earth*, Independent, Diplomatic Correspondent,available at: <https://www.independent.co.uk/news/world/asia/afghanistans-resources-could-make-it-the-richest-mining-region-on-earth-2000507.html> : retrieved 2017/11/22. [In English]
- Censin Resources,(2010), *Afghanistan discovered an oilfield containing an estimated 1.8 billion barrels of crude in the north of the country*, Censin Resources, Available at: <https://web.archive.org/web/20120425161815/http://www.censin.com/afghanistans-new-oil-discovery/>, retrieved: 2017/11/24. [In English]
- Reuters Staff, (2011), *UPDATE 1-Afghanistan signs major oil deal with China's CNPC*, Reuters, Available at: <https://www.reuters.com/article/afghanistan-cnpc/update-1-afghanistan-signs-major-oil-deal-with-chinas-cnpc-idUSL3E7NS40J20111228>, retrieved: 2017/11/22. [In English]
- McSweeney, C., M. New & G. Lizcano, (2016/10/06), *UNDP Climate Change Country Profiles Afghanistan*, Available at: https://digital.library.unt.edu/ark:/67531/metadc226769/m2/1/high_res_d/Afghanistan.hires.report.pdf, retrieved: 2017/12/22. [In English]
- Barghnews, (2017), *Construction of the largest solar energy project in Afghanistan* [In Persian], Available at:<http://barghnews.com/fa/news/25919> /احداث بزرگترین پروژه انرژی خورشیدی در افغانستان
- Retrieved: 2018/04/01.[In Persian]
- AIMS: <https://www.aims.edu>. [In English]
- www.bbc.co.uk/persian/indepth/cluster_zs_afghan_ringroad_project.shtml. [In English]
- <http://www.elections.pajhwok.com/dr/content>. [In Persian]
- https://commons.wikimedia.org/wiki/File:Afghanistan_physical_en.png. [In Persian]
- http://www.bbc.co.uk/persian/indepth/cluster_zs_afghan_ringroad_project.shtml. [In Persian]
- <http://www.salamwatandar.com>. [In Persian]
- <https://www.dw.com/fa-ir/-38744591>. [In Persian]
- https://www.nrel.gov/international/ra_afghanistan.html. [In Persian]